

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۱۷۲

جلسه

۲۰۷

قیمه اشتراك

داخله ايران ساليانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمه تك شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاكرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه كليه مذاكرات در يك شماره منتشر ميشود.

مطبعة مجلس

تاريخ تأسيس آذر

۱۳۰۵

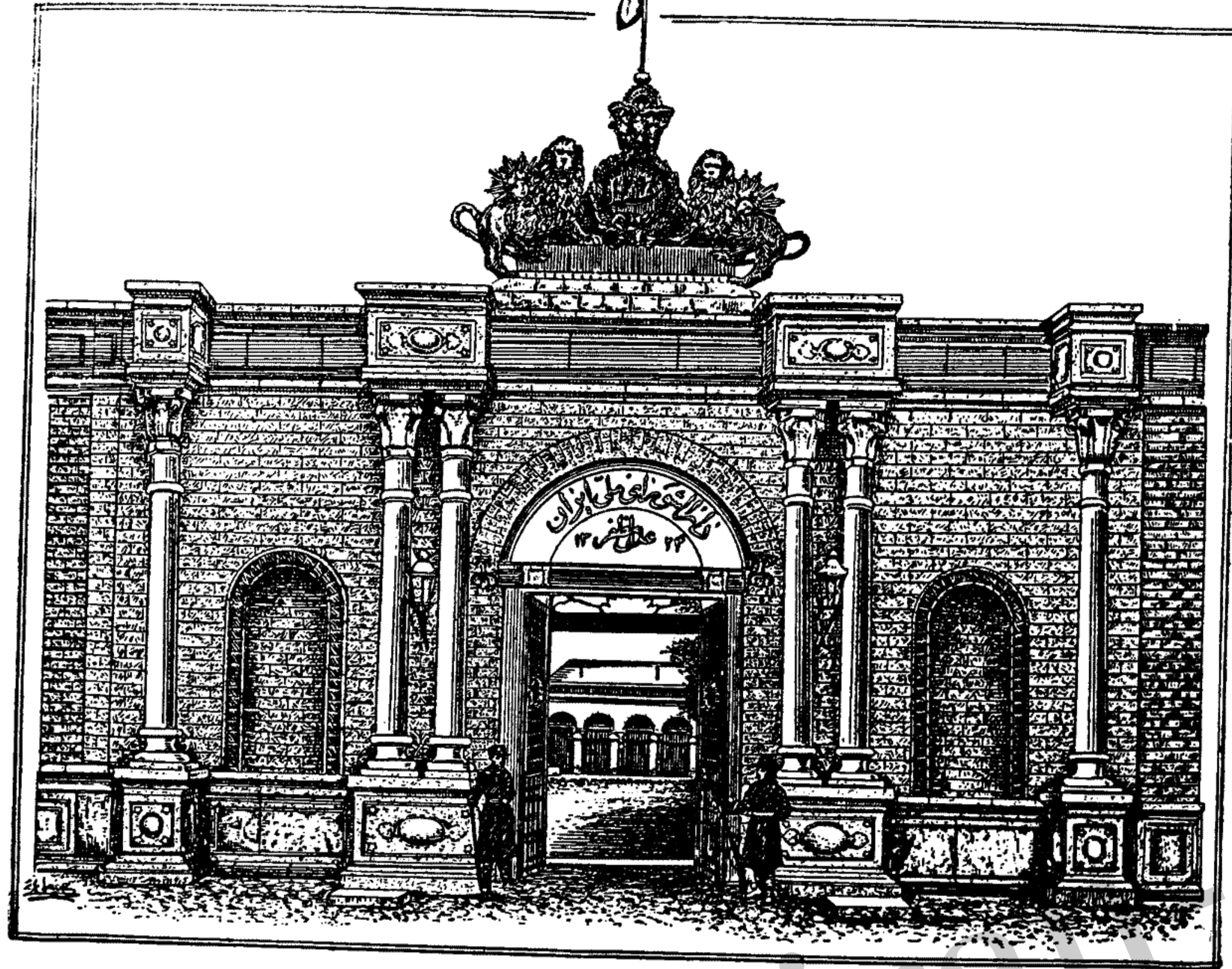
جلسه پنجشنبه ۱۹

بهمن ماه ۱۳۰۶

مطابق ۱۶ شعبان المعظم

۱۳۴۶

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۶ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۰۷

(مجلس دو ساعت و يك ربع قبل از ظهر برپاست)
 آقای مرتضی قلیخان بیات نایب رئیس تشکیل گردید
 (صورت مجلس سه شنبه هفتم بهمن را
 آقای نکهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان؛ دشتی - بجی خان زنگنه - افخمی
 غائبین بی اجازه جلسه قبل
 آقایان؛ اسدی - اعظمی - حقنویس - نظام مافی -

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بجزر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به لایحه قانونی ثبت عمومی املاک و مرور زمان (ماده اول)	۳۵۰۷	۳۵۳۷

مقدم - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - بنی
سلیمان - جهانشاهی - میرزا ابراهیم آشتیانی - سلطان
محمدخان عامری - میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا
حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: ایباخان - امام جمعه شیراز - شریعت زاده
پالیزی - قوام شیرازی - دکتر مصدق - بهار -
ملک آرائی

نایب رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در صورت مجلس آقای طلوع را غائب
بی اجازه نوشته اند در صورتیکه کسالت دارند عرض هم
کرده اند

نایب رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد
وزیر عدلیه - بنده می خواستم تقاضا کنم آقایان اجازه
بفرمایند امروز قانون ثبت اسناد اجباری جزو دستور
شود.

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی راجع به گذاردن
این قانون در دستور فرمایشی دارید؟

فیروز آبادی - بلی

نایب رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - چون این لایحه را امروز صبح تقریباً
مدتی هم از آفتاب گذشته بوده ما دادند...

بعضی از نمایندگان - دیروز توزیع کردند

فیروز آبادی - بدست بنده امروز رسیده است شاید
به آقایان دیگر دیروز داده باشند بنده علم غیب نمیدانم
این است که تقاضا میکنم بماند برای جلسه دیگر که دقی
در آن بکنیم و در جلسه بعد مطرح شود

نایب رئیس - آقای بامداد با دستور موافقت؟

بامداد - بلی. اجازه بنده راجع به اصل موضوع
است.

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم این لایحه مدتی است در دست
تدقیق تمام افراد مجلس است کلاً این قضیه
در نحت مذاکره واقع شده است. قضیه مهم است
قانون ثبت اسناد یک قانون مهمی است و به
شوخی و مسامحه نمیشود تلقی کرد. آقای وزیر عدلیه
از همه بهتر پی بردند باین قضیه و آنرا بمجلس آوردند
و با همه آقایان و کلاً مشاوره فرمودند بعلاوه اگر این
قضیه را بمجلسه بعد هم موکول کنیم و بخواهیم در آن
مطالعه کنیم گمان نمیکنم چندان فایده داشته باشد زیرا
فکر ما همان است که بالبداهه میاید

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بپیشنهاد آقای وزیر

عدلیه آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد

کفیل وزارت امور خارجه - عهدنامه ودادیه و تأمینیه
بین ایران و افغانستان را تقدیم میکنم

نایب رئیس - به کیسیون مربوطه مراجعه میشود
شور در کلیات است آقای بامداد

بامداد - بنده موافقم

نایب رئیس - آقای عباسمیرزا

عباسمیرزا - در ماده اول عرض دارم

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با آن نظری که عرض کردم
اینطور بنظر میآید که بعضی از مواد این قانون
موافقت با ترتیب شرع نکند باین ملاحظه بنده مخالف هستم

بعضی از نمایندگان - (باهمهمه) اینطور نیست

نایب رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده با این لایحه بطور کلی کاملاً موافقم
و به عقیده بنده یگانه زونی که در ایران هست
املاک غیر منقول است. مستقل و ملک و قنات و غیره
یا مال مردم است یا مال دولت. ما آکسیون نداریم ما
تجارت نداریم. ما سهام نداریم، ما زونتهائی که در دنیا هست
نداریم همین است و هیچکس نمیتواند ادعا کند که
مالکیت من مستقر است. هیچکس نیست که شب بخواهد
و حتماً ملکش را مال خودش بداند.

معتضد استرآبادی - هر کس متصرف است ملکش مال
خودش است

بامداد - بنده عقیده ام این است. آقایان هم هر

کس هر عقیده دارد بفرماید. چون بنده صریح هستم
در عقاید و اظهاراتم عقیده خودم را عرض می کنم.

هر کس هم هر عقیده دارد بگوید. یک کسی که عایدی
یعنی دارائی صد هزار تومان ملک دارد بروسد به این

بانک ها به بینید چقدر اعتبار به او میدهند. هیچ
صد هزار تومان عایدی یا یک کروار دارائی دارد بروید

بیش این بانک به بینید چقدر اعتبار به او میدهند.
اگر مالکیت مستقر باشد صد هزار تومان که دارائی

داشته باشد صد هزار یا اقل پنجاه هزار تومان اعتبار
به او داده میشود و اگر یک مالکی دارائی پنجاه هزار

تومان اعتبار در بانک باشد بدیهی است چقدر به معاملات
ما خدمت خواهد کرد. آقای فیروز آبادی همان قدر یک

بجلی فرمودند که بعضی از مواد این قانون بر خلاف
شرع است و تصریح فرمودند که بنده دفاع کنم. عرض

کنم در تاریخ دوره صفویه امروز بخاطر آمد که این
هم در عالم آراء عباسی هست و هم در تا ورنیه. در زمان

صفویه ثبت املاک و معاملات اجباری رایج بوده است
در زمان صفویه که خیلی از حالا متعصب تر بوده و قطعاً

خیلی از امروز مذهب تر بوده اند تا ورنیه مینویسد (در

عالم آرا هم هست) هر کس یک معامله دارد تا آن
معامله را انجام داد باید به کاروانسرادار که رسمیت دارد

از طرف دولت اطلاع بدهد که او عین معامله را در دفتر
مخصوص خودش ثبت کند و یک حق الثبت مختصری بگیرد

این برای چیست؟ برای این است که چون تجارت است
و از روی اعتبار معامله میکنند فرضاً اگر ده عدل یا

بست عدل چیز خرید و پواش ماند در سر موعد اگر
نداد دولت بدون چون و چرا ازش میگیرد. و خودش

میگوید من همیشه این ترتیب را رعایت میکردم و بکدفعه
نکردم چون طرف خیلی خوش معامله بود و بعد از دو

سه مرتبه که آمدم مطالبه کردم طرف نداد و من چون
فهمیدم حرفم بجائی نمیرسد تعقیب نکردم آن وجه را هم

نجدید میکند بسه هزار یا چهار هزار اگو بیول فرانسه
آزوز چنانچه امروز به فرانک تعبیر میکنند پس این یک

چیز نازه نیست که ما نازه بخواهیم وارد آن بشویم بنده
نه ملک دارم نه مالکیت منزلت است نه ملک مرافعه

خریده ام که بخواهم بوسیله این قانون آن را
از بین ببرم ولی والله و بالله اصول ملک داری یک

اقتضائی دارد و باید خاتمه داد به این همه کاغذ سازی
و مرافعات و بدبختی ها. این قانون برای دو نفر بد است

یکی شرخر و یکی کاغذ ساز و خیلی هم خوب قانونی
است و شما اگر میخواهید عدلیه آسوده بشود و در

مرافعات بسته شود و این همه بدبختی که در آرزو کاغذ سازی
و شخص ناک و رابع در بین هست مرتفع شود بیائید

با این قانون موافقت کنید. یک ملکیتی که میگوید من
ملک داری میخواهم بکنم باید یک چنین قانونی داشته

باشد. البته باید در جزئیاتش هم رسیدگی شود و اگر
تصریح شد جائی از آن خلاف شرع است اگر نوبت به

بنده رسید عرض میکنم که خلاف شرع نیست.

نایب رئیس - آقای دهستان

دهستان - موافقم

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - قانون ثبت اسناد یا ثبت املاک البته یکی از قوانین خوب ممالک خارجه است. در ممالک خارجه در آنجاها که وسائل صحیح هست مثل آلمان و سوئیس هیچوقت يك اختلاف ملکی در محاکم اتفاق نمی افتد و اصلاً دعاوی ملکی در محاکم مرتفع است. بهترین قوانینی که هست مال آلمان است بعد هم مال سوئیس است.

مدرس - چرا از خودتان نمیگوئید کتاب های خود مان بر است. والی هر ولایت ثبت می کرده است به آلمان و سوئیس چه کار دارید آنها از ما اخذ کرده اند

آقا سید یعقوب - حضرت امیر ممالک میگوید (مهمه نمایندگان - زنک ریاست)

کازرونی - آقا بحضرت امیر چکار دارید

دکتر مصدق - در ممالک خارجه ترتیب ثبت املاک اینطور است که اگر بخواهید در يك دهی بایک بلوکی ثبتی برقرار کنند اول نقشه ده را می کشند فرض بفرمائید بانصد نفر مالک در يك دهی هستند که خورده مالک میباشد بهر ملکی يك نمره میدهند و روی يك ورقه خیلی زرکی نقشه آن ملک کشیده شده است املاک هر کس با مقیاس آن معین است و يك نمره بان ملک داده اند بعد از روی این نقشه دو دفتر درست میشود یکی دفتر ملاک و یکی دفتر املاک. در دفتر ملاک اسامی مالکین با حروف نهجی نوشته شده است و هر مالکی يك ملکی دارد و اسم آن ملک و نمره ملکش را در مقابل اسمش مینویسند. فرض بفرمائید نقشه تجریش را بکشند بانصد نفر مالک که هست بانصد نمره میدهند به بانصد ملک تجریش دزاشوب را هم که نقشه اش را کشیدند بانصد نفر که آنجا مالکند بانصد نمره هم میدهند ملک دزاشوب بعد بنده که مالک هستم در دزاشوب و تجریش در دفتر ملاک اسم بنده را بحروف الف با در آن دفتر مرتباً مینویسند و بعد نمره ۳۵۰ تجریش را که فرضاً نمره ملک بنده است و همین طور نمره چهار صد

دزاشوب را در مقابل اسم بنده می نویسند و مطابق آن دفتر بخوبی معلوم است که هر ملک مال کی است و هر مالکی ملکش چه نمره دارد این دفتر ملاک است در دفتر املاک آن نمره که در آن ورقه بزک است فرض کنید نمره چهار صد تجریش را می آوردند در يك صفحه مینویسند بعد اسم بنده را که مالک هستم در این ورقه مینویسند آنوقت ستونهای مختلف دارد اگر بنده آنجا را رهن بگذارم یا معاملاتی راجع به آنجا بشود تمام را در آن ستونها مینویسند و وقتی معاملاتی نسبت به آن ملک شد و خواستم آن ملک را بفروشم وقتی معامله قطعی میشود که اسم بنده را از آن دفتر حک کنند و اسم دیگری را بجای اسم بنده بنویسند و با این ترتیب هیچوقت دعاوی ملکی در آنجا پیدا نمیشود یعنی اگر اشخاصی در خارج ممالک پیدا کنند معاملاتشان بهیچوجه سندیت پیدا نمی کند مگر اینکه در آن دفتر ثبت شود یعنی اسم مالک قدیم حک شود و اسم مالک جدید ثبت شود و این ترتیب خیلی خیلی خوب است و اگر واقعاً ما هم بتوانیم يك دفتر املاکی درست کنیم در این مملکت و تمام وسائل که در ممالک خارجه موجود است در اینجا هم برقرار شود میتوانیم بگوئیم در این مملکت مرافعات و محاکمات راجع باملاک غیر منقول بکلی تمام خواهد شد ولی متأسفانه در این مملکت ما این قسمت را که نقشه با مقیاس کاداستر باشد نمیتوانیم داشته باشیم

عراقی - المیسور لایسقطه بالمیسور

دکتر مصدق - بلی بلی ما نمی توانیم نقشه با مقیاس در این مملکت داشته باشیم و ناچاریم فقط به ثبت املاک و ثبت تصرف اکتفا کنیم بدون اینکه يك حدودی در آنجا معین شود زیرا اگر امروز پول هم داشته باشیم به اندازه کافی مهندسی که مقیاس املاک را بردارند و ثبت کنند نداریم. حالا بنده نمیخواهم عرض کنم که در خارجه يك قوانین خیلی خوب هست ولی وقتی که به این

مملکت آمد آنطور که باید اجرا نمیشود. البته اگر آن قوانین بهمان ترتیب که در خارجه است اینجا هم اجرا شود خیلی خوب ولی مثلاً قانون سجل احوال که یکی از قوانین خوب خارجه است ولی وقتی به این مملکت آمد آیا میتوان به تمام اوراق سجل احوال اطمینان کرد که صحیح است؟ خیر برای اینکه وسائل اجرا در این مملکت نیست. فرض بفرمائید اتومبیل در ممالک خارجه بسیار خوب حرکت میکند ولی وقتی که به این مملکت آمد بواسطه نبودن راه بقول بکفر از اینجا تا خمسه پنجاه اتومبیل در عرض راه خورد شد. پس اول باید راه را درست کرد که يك قوانینی که از ممالک خارجه به اینجا می آید در نیاید. در ممالک خارجه مستخدمین ثبت اسناد باید درست ترین مردم و درست ترین مستخدمین مملکت باشند امروز مثل اینکه اگر از يك مستخدم دولتی خسارتی به مردم برسد آیا دولت میبایستی مستقیماً خسارت مردم را بدهد و بعد از مستخدم بگیرد یا این که باید مستخدمی که باعث خسارت شده است بدهد محل اختلاف است. علمای علم حقوق بعضی عقیده دارند که باید مسؤلیت متوجه دولت باشد بعضی معتقدند که نباید دولت این مسؤلیت را قبول کند که مستقیماً این خسارت را بدهد زیرا اگر بنا باشد دولت این خسارات را بدهد ضررش متوجه جامعه خواهد شد بجهت اینکه دولت در اثر تکثیر مالیات باید این خسارات را جبران کند و بالتلیجه باید از مردم بگیرد ولی نسبت به مستخدمین ثبت اسناد اینطور نیست بعضی از دول مسؤلیت مستخدمین ثبت اسناد را قبول کرده اند که اگر در حین اجرای عمل خسارتی وارد بیاید خود دولت از عهده بر می آید و بعد از مستخدم میگیرد. این از چه نظر است؟ برای این است که دولت چشمش را باز کند و مستخدمینی که طرف اعتمادش می باشند و صحیح العمل هستند انتخاب کند که نسبت به مردم خسارتی وارد نشود. امروز اگر در این مملکت ما يك دعوائی نسبت به املاک داریم

مربوط به اسناد خصوصی است یعنی يك اشخاصی يك اسناد خصوصی دارند و بواسطه آن اسناد خصوصی يك دعوائی دارند و اگر بنا شود يك دقتهای کاملی در تشکیل ثبت اسناد نشود فردا مدارک دعوا دو چیز خواهد شد یکی اسناد خصوصی که بین مردم است یکی هم اسناد رسمی بدموقعی است که مأمورین ثبت اسناد بواسطه عدم اطلاع و عدم دقت ثبت کرده اند و در واقع يك ملکی را که در مالکیت بکفر حتمی نبوده ثبت کرده اند و از این حیث يك ضررهای زیادی به مردم زده اند. این است که چون وسائل اجرای این قانون در تمام مملکت فراهم نیست و اگر به این ترتیب اجرا شود شاید ده دوازده میلیون عایدات پیدا کند و البته يك قانونی که ده دوازده میلیون عایدات پیدا کند يك عده اشخاص زیادی که مستخدم نیستند اگر آقای وزیر عدلیه هم نخواهند اداره ثبت اسناد را تشکیل دهند آنها فشار می آورند که اداره تشکیل شود چون يك پولی از مردم گرفته میشود. آن وقت با این اشخاص اگر ما حقیقه بخواهیم يك عمارت صحیحی بسازیم ولی مواد محکم و صحیح نداشته باشیم نمی دانم چه شکل خواهد شد. بعقیده بنده اگر عمارت صحیحی بخواهیم بسازیم اول باید موادش را تهیه کنیم بعد عمارت را بسازیم. این اشخاص که فعلاً هستند بنده عقیده ام این است که تمامشان صلاحیت نداشته باشند. شاید آقای وزیر عدلیه برای حوزه يك ایالت بتوانند اشخاص صحیح العملی پیدا کنند و ثبت اسناد آنجا را اداره نمایند و بنده عقیده ام این است که اگر بخواهیم به این قانون هم رای بدهیم اول برای يك ایالت رأی بدهیم راجع به جنبه شرعی آن بنده عرضی ندارم چون حضرت آقای مدرس اینجا هستند و جنبه شرعی آن با ایشان است البته هرطور بفرمائید صحیح است مربوط به ماها نیست ولی جنبه عرفی آن را بنده عقیده ام این است که اگر ما بخواهیم قانون را اجرا کنیم اول

در يك ابالت بوسیله مستخدمین خوبی که هست اجرا کنند اگر این آزمایش ما خوب شد بعد در يك سال دیگر دو سال دیگر در تمام نقاط مملکت اجرا کنند ولی بکمرتبه بیایند و يك قانونی وضع کنند و از اجرائی آن تقریباً دوازده میلیون عاید شود و به مردم زور بیاورند و در همه جا يك ادارات ثبت اسناد درست کنند و آنوقت يك اختلافی که بین مردم بواسطه اسناد خصوصی هست فردا بواسطه اسناد رسمی هم که هیچ کارش نمیتوان کرد و دعوا در بگرد بنده گمان میکنم خوب نیست و بنده عقیده ام این بود که عرض کردم البته در جزئیات که وارد شدیم نظریاتم را عرض میکنم البته مسائلی هم نظری است و ممکن است يك قانونی بنظر بنده خوب نباشد در صورتیکه صلاح باشد یا اینکه يك قانونی را بنده موافق باشم در صورتیکه آن قانون صلاح نباشد و در هر حال اینها نظری است ولی چیزیکه بنظر بنده میرسد این است که قانون ثبت اسناد یکی از بهترین قوانینی است که باید در این مملکت اجرا شود ولی عقیده بنده نباید يك مرتبه تمام این مملکت را آلوده کرد و این دعوی که امروزه تا این اندازه محدود است فردا بواسطه تأسیس اداره ثبت اسناد در این مملکت برای اینکه يك اشخاص صالحی نیستند که در سر این کار بکارند) يك کار بزرگتی بواسطه اسناد رسمی برای مردم درست کنند این است که از آقایان استدعا دارم این را تخصیص بدهند به يك ایالت اگر خوب شد بعد در جاهای دیگر اجرا میشود و از این قانون استفاده میشود اگر هم بد شد که صرف نظر میشود لازم نیست همه مملکت را به ضرر آلوده کنند

وزیر عدلیه - بطوریکه آقایان توجه فرمودند آقای دکتر مصدق در اساس قضیه موافق بودند بیانات ایشان بیشتر راجع بود باینکه خوب است بتدریج پیش برویم البته آنطوری که فرمودند در آلمان معمول است اگر برای ما امروز میسر بود در ایران اجرا کنیم و تمام

وسائل را داشتیم بهتر بود ولی خود آقای دکتر مصدق میدانند که در همه ممالک اروپا هم نتوانسته اند نه آن شکل درست کنند حالا امر دائر است برای ما به اینکه آیا منتظر بشویم که تمام وسائلی که لازم است پول و اشخاص و غیره فراهم شود و بطور کامل انجام دهیم ...

دکتر مصدق - منتظر نشوید

وزیر عدلیه - یا اینکه سعی کنیم به اندازه که میتوانیم وضعیت معاملات را از این حالت بی انتظامی و بی اعتباری در آوریم و يك اعتبار و انتظامی به آن بدهیم . حالا هم اگر يك معامله بخواهید بکنید با طبیعه اگر بخواهید معامله نان استحکام داشته باشد چه میکنید می برید پیش اشخاصی که مهرشان بیشتر طرف اعتماد باشد ما آمدیم و خواستیم يك قدم بیشتر بر داریم و يك کاری بکنیم که این اسناد در يك دفتری ثبت شود و اگر ما بخواهیم منتظر شویم که تمام آن وسائل را پیدا کنیم و بعد عمل کنیم بنده تصور میکنم که سالهای سال باید املاک ما بحال فعلی و اسناد ما بصورت فعلی باشد . البته بنده هم تصدیق میکنم . چون راجع به مسئله راه فرمودند از اینجا تا زنجان پنجاه اتومبیل می شکند اگر ممکن بود ما تصور کنیم تا دو سال دیگر تمام راه های ما بهترین راه های دنیا خواهد شد و بین تمام دهات ایران طرق شوسه خواهد بود و اتومبیل هم در همه جا حرکت خواهد نمود . آنوقت میگفتیم صبر کنیم تا این قانونی دو سال دیگر بگذرد ولی چون ما میدانیم آنطور که آقا میخواهند راههای خوب . سرعت سیر اشخاص فوق العاده و بالاخره آن چیزهایی را که آقا فرمودند به این زودی ممکن نیست فراهم کنیم بنده تصور میکنم که بهتر است ما بیاییم و این شکلی را که الان بر ایمان میسر است انجام بدهیم اینجا يك نکته دیگری را که آقا فرمودند که اصل اساسی مقصودشان بود مسئله تدریج بود و فرمودند که خوب است در يك ایالت این کار را بکنند . بنده عرض میکنم که تدریج طبیعی

است منتهی با این تفاوت آقا میفرمایند ما در يك ایالت این کار را بکنیم بنده عرض میکنم در مراکز ایالات و جا های مهم اول شروع کنیم غیر از این هم نمی توانیم بکنیم . آن امتحان را که آقا فرمودند در يك ایالت بکنیم ما میخواهیم در شهر های مختلف بکنیم اگر واقعاً دیدیم همانطور که فرمودند خوب از عمل درآمد که در بلوکات هم این کار را خواهیم کرد چون حوزه های ثبانی را خیلی کوچک گرفته ایم که در دسترس همه باشد و همه زود مطلع شوند و برایشان زحمت نداشته باشد اگر آن عملی شد در حوزه های کوچکتر هم اداره ثبت را دائر می کنیم اگر دیدیم خدای نکرده بکطوری است که ما نمیتوانیم در حوزه شهر ها هم این مسئله را عملی کنیم آن وقت باید يك فکر دیگری کرد . چون شما فرمودید به اندازه اجرا کردن در يك ایالت میتوانیم اشخاص صحیح جمع کنیم البته تصدیق می فرمائید يك ایالت بلوک و شهر های متعدد دارد . ایالت آذربایجان چقدر شهر و بلوک دارد . این کاری را که شما میفرمائید در يك ایالت بکنیم ما می آئیم آن اندازه آدم که میتوانیم تهیه کنیم که این مسئله را در تمام ایالت آذربایجان عملی کنند تقسیم می کنیم بین شهر های مهم مثل آذربایجان و قزوین و بالاخره در تمام شهر ها شما می فرمائید در تمام يك ایالت و بلوک آنجا این کار را بکنیم بنده عرض می کنم اول در شهر ها میکنیم بعد اگر عملی شد در سایر بلوک این کار را میکنیم و از این حیث گمان میکنم جای نگرانی نباشد . يك نکته که آقای دکتر مصدق فرمودند که بنده خیال کردم بد قانون را خوانده ام ولی وقتی مراجعه کردم دیده این طور نیست . فرمودند در خارج معمول است اگر مأموری بواسطه خبط و تقلبی که کرد و خساراتی وارد شد دولت از عهده بر می آید این قضیه در قانون هست بنده ماده صحت و شش را میخواهم آقایان هم توجه فرمایند ماده صحت و شش می نویسد . پس از ثبت ملك دعوی راجع به تضییع حقی در ضمن

ثبت در محاکم عدلیه از کسی پذیرفته نخواهد شد ولی اگر در ضمن ثبت تقلب و تزویری اعمال شده باشد اشخاصی که به این ترتیب متضرر شده اند میتوانند بر علیه کسانی که تقلب نموده اند اقامه دعوی نموده جبران ضررات خود را مطالبه کنند و هر گاه تقصیر از طرف مدعی یا مباشرین ثبت اسناد و املاک بوده و مشار الیه قادر به جبران خسارت وارده نباشند جبران خسارات بر عهده دولت خواهد بود شما به بینید در این قانون هست

دکتر مصدق - تعجب نکنید بنده عرض کردم وسائل اجرای قانون را نداریم

وزیر عدلیه - بلی چون فرمودید در خرج معمول است اگر در اثر تقلب مأمورین یا سوء اداره خسارتی وارد شد بعهده دولت است باید تصدیق فرمائید که این قضیه در املاک خیلی کوچک ممکن است اتفاق بیفتد زیرا کسی که مالك يك ملك بزرگی است صاحب ملك آنقدر مواظب هست که نسبت به ملك او يك همچو کارهایی نکنند و دیگری بیاید ملك او را ثبت کنند پس ممکن است نسبت باملاک خورده مالك يك همچو اتفاقات بیفتد و از عهده خسارتش بر آید علاوه بنده در این موضوع با غالب آقایان قبلاً مذاکره کرده ام و نظر ایشان را میدانم و تصور میکنم پیش از این استدلال لازم باشد و اگر هم لازم شد بعد عرض میکنم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

استرآبادی - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید .

استرآبادی - عرض کنم که اهمیت قوانین با هم خیلی تفاوت دارد بعضی از قوانین هست که خیلی مهم نیست بابت مختصر مذاکره که يك نفر موفق و بکنفر مخالف نمودند ممکن است به کفایت مذاکرات رأی داد . ولی قانون ثبت اسناد گرچه همانطور که آقایان فرمودند بنده هم مفصلاً مطالعه نکرده ام ولی تصور می کنم

يك قانون خیلی مهمی است برای اینکه تماس با امور شرعیه دارد...

بعضی از نمایندگان - تماس ندارد
استرآبادی - بنده ثابت می کنم کاملاً تماس دارد...

باسائی - شما چه میدانید امور شرعیه چیست؟
استرآبادی - در هر صورت بنده معتقدم که به این اختصار نسبت باین قانون اکتفا نشود و بیکفردی آقایان اجازه بدهند که مخالف و موافق بیشتر صحبت کنند که مطالب بحث شود و قانون محکمتر بگذرد
نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که ما در مقدمات با آقای شریکیم قانون مهم است باید هم درش مذاقه شود و باید تمام مصالح و منافی که در این قانون باید ذکر شود گفته شود ولی در کلیات که آقایان نمی شود. در کلیات يك امور كلي را صحبت می کنیم در کلیات خوب است یکی دو نطق حرف بزند بعد برویم روی مواد اگر يك نظریاتی باشد در مواد گفته شود و با پس و پیش کردن مضمون قانون را بهتر بکنیم و اگر يك چیزی فوت شده است خواهیم افزود و اگر يك چیزی زیاد است کسر خواهیم کرد تا قانون را تکمیل کنیم. ولی هیچ يك از این کارها را در کلیات نمی شود کرد. پس خوب است آقایان موافقت بفرمایند که داخل در مواد بشویم و مقصود آقایان در ضمن شور در مواد تأمین خواهد شد.

نایب رئیس - رأی گرفته می شود به کفایت
مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای فیروزآبادی پیشنهادی راجع بمقدمه لایحه کرده اند گمان میکنم مقدمه لایحه پیشنهاد

لازم نداشته باشد حالا قرائت میشود ملاحظه بفرمائید
(بمخو ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ اجباری از اول این قانون حذف شود و نوشته شود قانون ثبت املاك و مرور زمان

شریعت زاده - (مخبر کمیسیون عدلیه) - بنده هم با پیشنهاد ایشان موافقت می کنم که اجباری حذف شود عمومی نوشته شود

نایب رئیس - رای میگیریم بشور در مواد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت می شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)
ماده ۱ - کلیه اموال غیر منقول اعم از املاك مزروعی و مستغلات و غیره باید در دفاتر ثبت املاك ثبت شود.

در تقاطعی که اداره ثبت اسناد موجود است از تاریخ تصویب این قانون تا سه سال و در سایر نقاط از تاریخ افتتاح اداره ثبت املاك در هر حوزه ثبت تا سه سال کلیه اشخاصی که بعنوان مالکیت متصرف املاك واقعه در آن حوزه هستند باید تقاضای ثبت نمایند و چنانکه کسی در ظرف چهار ماه از تاریخ اولین اعلان تقاضای ثبت نسبت به تقاضای مزبور اعتراضی نکرد ملکی که ثبت آن تقاضا شده است در دفتر املاك قطعاً ثبت و دیگر نسبت به آن از طرف احدی اعتراضی پذیرفته نخواهد شد و اداره ثبت املاك سند مالکیت رسمی مالك را صادر خواهد کرد و همچنین اگر معترض در ظرف دو ماه از این تاریخ تقدیم اعتراض بدون عذر موجه آنرا در محاکم صالحه تعقیب نکرد و یا پس از تعقیب در مدت دو ماه آنرا مسکوت گذاشت حق اعتراض او ساقط و اداره ثبت باید سند مالکیت

رسمی را صادر نماید

اداره ثبت املاك بدون نقشه برداری سند مالکیت تقاضا کنند را با همان حدود که تقاضا شده و مورد اعتراض واقع نگردیده صادر مینماید

حق الثبت در سه سال اول که فوقاً ذکر شد صدی نیم (تومانیک شاهی) خواهد بود که نصف آن در حین تقاضای ثبت و نصف دیگر در حین صدور سند مالکیت باید تأدیه شود در سال چهارم حق الثبت صدی يك و برای هر سال تاخیر صدی يك علاوه خواهد شد

تقاضای ثبت راجع ناملاك دولت بعهده اداره مالیه و نسبت باملاك و مؤسسات بلدی و خیریه بعهده رئیس مؤسسه و در موقوفات بعهده متولی و در مورد املاك محجورین بعهده ولی یا قیم آنها میباشد

تبصره - تقاضا کننده باید قیمت ملك را از روی قبالة و یا ده برابر ثلث عایدات سه سال اخیر معین نماید.

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

نایب رئیس - آقای عباسمیرزا

عباسمیرزا - البته این قوانینی که میگردد ناچار همیشه برای يك عده خوب است و برای يك عده تولید اشکال می کند حالا در این قانون در این ماده اول که اصل این قانون است بنده میخواهم به بیدم و تشخیص بدهم که زحمت و مزاحمت برای چه طبقه اشخاص فراهم می کند آقای دکنر مصدق فرمودند که وسائل دولتی کم است و نمیشود با این قبیل وسائل این قانون را اجرا کرد بنده تصور می کنم که ما اگر بیکفردی مواجه به وسائل بشویم می بینیم که يك وسائلی دولت دارد و يك وسائلی در مردم هست ولی باید به بینیم که با

این وسائل ممکن است این قانون اجرا شود؟ البته آقایان محترم، همه ما موکلین خود مان را خوب میشناسیم و هیچ نباید استنکاف کنیم که بگوئیم يك مقدار زیادی از آنها سواد ندارند، اطلاعات ندارند یعنی اصلاً نمیتوانند بخوانند و متأسفانه بواسطه بعد مسافت ما بین بلوکان و مرکز ولایات آنها هم که سواد دارند نمیتوانند روز نامه بخوانند این آقایانیکه جریده نویس هستند بفرمایند که چقدر آبوتان در این مملکت است؟ البته يك نظری است و دوات هم روی همان نظر حق یعنی این قانون را آورده و آقای وزیر عدلیه هم واقعاً این قانون را خوب آورده اند و میخواهند که مردم کمتر به عدلیه رجوع کنند و البته خیلی اسباب آسایش مردم خواهد شد ولی بالاخره يك عده در شهرها و پایتخت هستند که اطلاعات وسیعه دارند و جرائد را میخوانند و آنها از قوانین بخوبی استفاده میکنند ولی مالکیت در ایران عمومی است و به چند نفر محدود نیست و از این گذشته خورده مالک در مملکت زیاد است در مملکت دهانی هست که در آن پنجاه و شصت نفر مالك دارد و هر کدام مالکین چهار شعبه پنج شعبه ملک دارند و اغلب در ایران پس از شروع به عمل می بینیم که به يك اشکالان بر میخوریم بطوریکه در قانون ممیزی اغلب آقایان در موقع گذشتن قانون شائق بودند و خیال میکردند که خیلی خوب قانونی است ولی بعد آنکه شروع بعمل شد معلوم شد که این قانون خیلی ناقص است و اغلب مردم شکایت دارند بنده خودم يك مکاتباتی از يك اشخاصی دارم که خودشان ورقه ممیزی را امضاء کردند ولی حالا میگویند ما نمیتوانیم بپردازیم من میگویم که شما خودتان ورقه ممیزی را امضاء کرده اید و حالا چرا میگوئید نمی توانیم بدهیم؟ جواب میدهند که این ورقه را مأمور آورد و گفت که این را امضاء کن حالا خیلی اشخاص این حال را دارند چون این مسئله قاطع است و استیناف و تمیز هم که بر نمیدارد و همین که يك ملک

ثبت شد و دیگر نمیشود کسی شکایت کند که خیر این ملک مال من است و رفتند اند ثبت کرده اند لہذا ابراداتی که بنده در این ماده دارم باید عرض کنم یک مقدار برآ هم خود آقای وزیر عدلیہ فرمودند کہ ما از شهرها شروع میکنیم و بعد بہ بلوکات ولی خوب بود کہ این مطلب در این ماده ذکر میشد کہ اول در شهرها ثبت خواهد شد بعد در بلوکات و یک عیبی دیگر هم در این ماده بنظر بنده هست. یکی اینکه سه سال برای این کار خیلی کم است. برای شهرها سه سال بد نیست ولی برای بلوکات خوب است پنجسال باشد یا اینکه بعد از آنکہ در شهرها ثبت شد بروند بہ بلوکات، ثانیاً در این جا نوشته شده است: در تقاطعی کہ اداره ثبت اسناد موجود است بنده میخواستم این جا آقای وزیر عدلیہ بفرمایند کہ تشکیلات ثبت مطابق کدام تشکیلات عدلیہ است مطابق حوزه های استینافی است؟ یا بدایتی است؟ یا صالحی است این هم باید معلوم شود بواسطه اینکه برای نداشتن بودجه زیاد در اغلب جاها صالحیہ و بدایت نیست چون این عدلیہ ما روی پولی است کہ داریم و اگر بخواهیم این پولی را کہ از این کار میخواهیم در بیاوریم صرف وسعت عدلیہ بکنیم هنوز کہ در نیامده است و اگر بخواهیم سرعت این پول را در بیاوریم برای مردم اسباب زحمت خواهد شد اگر بخواهیم اول آن حوزه هارا تعیین کنیم بعد ثبت اسناد را معین کنیم پول نداریم و بہ این زودبہم نمیشود پول فراهم کرد باید معین کرد کہ حوزه ثبت اسناد در کدام حوزه تشکیلاتی واقع خواهد شد اگر حوزه ثبت اسناد در یک حوزه استینافی واقع شود هیچ فایده ندارد در یک جائی کہ استیناف هست ثبت اسناد را اگر فقط در آنجا قرار دهیم هیچ فایده ندارد و خیلی مملکت وسیع است و نمیشود، در جاهائی کہ بدایت است اولاً در بعضی جاها بدایت نیست و هیچ نیست الا ان از اغلب نقاط آذربایجان شکایت میرسد کہ

ما صالحیہ نداریم اکثر جاها بقدر مکفی اصلاً حوزه قضائی ندارند پس ما بہ چه وسیلہ این قانون را اجرا میکنیم کہ این پول در بیاید آقا فرمودند وسائل آلمان ما کہ وسائل آلمان را نمیخواهیم در اینجا فراهم کنیم وسایل ایرانی کہ باید باشد، وسائل ایران حوزه بدایت است یک حوزه صالحیہ است کہ آنها را هم الان نداریم، ما الان در تمام آذربایجان یک چند تائی بدایت است و هیچ صالحیہ نیست پس این حوزه ثبت اسناد را روی چه اصلی تشکیل خواهند داد؟ روی یک تشکیلات جدیدی است یا منتسب بہ این تشکیلات موجود است؟ اینرا ما باید بدانیم کہ تصدیق کنیم این جریان خوب است. اولاً تصور می کنیم کہ اگر روشن بشود برای ماها بد نیست ثانیاً منظوری کہ عرض کردم مدت بعقیدہ بنده کم است خصوصاً برای بلوک و در اینجا بطوریکہ فرمودند اگر این نظر نامین شود یعنی پیشنهاد شود و قبول کنند کہ حوزه های شهر را اول شروع کنند بعد بروند بہ بلوکات و همچنین ذکر شود کہ مدت را پنجسال قرار دهند گمان می کنم خوب باشد یک مسئله دیگر هم هست کہ این جا مینویسد. اداره ثبت املاک بدون نقشه برداری سند مالکیت تقاضا کنندہ را با همان حدود کہ تقاضا شده و مورد اعتراض واقع نگردیده صادر می نماید. این حدود املاک در ایران یکی از مسائل خیلی بفرنج است از ممیزی خیلی مشکل تر است میگویند حدود این ملک کجا است می گوید حد این ملک آخار با خار است، اگر آقای وزیر عدلیہ تصور می کنند کہ در ولایات بہ این مسائل متوجه هستند یا یک اشخاصی هستند کہ خیلی بصیرت دارند اینطور نیست، این ملاکین اکثر آنها مثلاً یک خانی است در یک ملک نشسته است و از حدود ملک خود هیچ اطلاعات ندارد آنها وقتی کہ اطلاع نداشتند یک مرتبہ بدون اینکه بفهمند و یک چیزی بخواهند می بینند کہ کسی دیگر ملکش را برده است و این معامله استیناف

هم کہ ندارد و قطع نظر از یک اشخاص معین اگر این حوزه های ثبت بہ یک ترتیب صحیحی نباشد بنده تصور میکنم کہ خیلی اشخاص ملکشان برده خواهد شد وسیلہ انتشار و وسیلہ نشر خیلی در این قانون مهم است در اکثر جاها جرائد مرکز را قطع داریم کہ نمیخوانند. افسر - راجع بہ این قسمت پیشنهادی کرده ایم عباس میرزا - فرمودند راجع بہ این مسئله پیشنهاد شده است ولی بنده ہم تذکر می دهم کہ وسائل این کار در ایران خیلی کم است، هیچ مطبعہ کہ نیست، جرائد کہ نیست، اطلاع کہ نیست، اصلاً در یک مملکتی کہ غالب اهالی آن یک اطلاعاتی از سیاست ندارند این چطور میفهمند کہ باید برود ملکش را ثبت کند پس باید بامدقہ کامل باین موضوع این قانون را تنظیم کرد، اصل ثبت اسناد برای این است کہ مردم آسوده و راحت باشند و راحت بخوابند کہ این ملک می داریم مال خودمان است و راحت بروند عقب رعیتی خودشان ولی اگر درست متوجه بشویم با این نواقصی کہ در این ماده هست و بنده عرض کردم نہ تنها ملکش مال خودش نیست بلکہ از این حیث راحت خواهد شد کہ دیگر هیچ ندارد این مسئله البته متوجه نشده نیست متوجه آقایان نخواهد شد صرف متوجه اشخاصی است کہ بیچاره اند، بی سوادند، فقیرند، بی دست و پا هستند و هیچ اطلاع ندارند بند کہ برای خودم دفاع نمیکنم برای یک عدہ دفاع میکنم کہ بالاخرہ باید مدافع داشته باشند، برای اشخاصی دفاع میکنم کہ ممیزی را میگویند من نفهمیده امضاء کرده ام و متأسفانہ ہمہ ما از این قبیل موکلین خیلی داریم کہ خیلی بہ ما مراجعه میکنند و ما هم مجبوریم برای کار آنها بوزارتخانہ و آقایان وزراء کہ خیلی هم خوششان نیاید مراجعه کنیم ما کہ تقصیری نداریم، فقط وسیلہ موکلین وکلا هستند، عدلیہ کہ ندارند، تلگراف ندارند اصلاً نمیدانند بہ کی باید مراجعه کنند در این قبیل مسائل این است کہ اصلاً بوکلای

خودشان مینویسند و ما هم اصلاً بوزراء مراجعه میکنیم لہذا بنده میترسم کہ چند سال دیگر راجع بہ ثبت اسناد بہ ما ہی مراجعه کنند و آنوقت ہم جوابی برای ما جز آن کہ بگویند مدتش گذشته است نباشد. فقط جواب ما این خواهد بود و یک عدہ بیچارہ از بین خواهند رفت

وزیر عدلیہ - بنده یاد داشت های بیانات آقا را گذاشته بودم کہ آقای مخبر بردارند و جواب بدهند ولی بعد از نقطه نظر ارادت شخصی کہ بہ نماینده محترم دارم خیال کردم کہ خودم جواب بدهم. همانطور کہ فرمودند از نقطه نظر رعایت بیچارہ رعایا و ضعفاً شاهزادہ در مجلس وسیلہ پیدا کردند و دفاعی از بیچارہ ها وضعفا فرمودند (خندہ نمایندگان) عرض کنم مسائلی کہ فرمودند بنده تصور میکنم کہ زیاد و کم در لایحہ پیش بینی شده است و جلو گیری از یک پیش آمد های... خلاف حق شده است. یک مسئله را کہ اینجا آقا فرمودند راجع باین بود کہ چطور مردم اطلاع پیدا میکنند در چند روز قبل در این جا آقایان، از بنده پرسیدند کہ بہ چه ترتیب این قانون را اجرا می کنید و اطلاع میدہید بنده بہ آقایان عرض کردم کہ یک نظری بنده پیدا کردم راجع بہ نظامنامہ مربوطہ بہ این کار کہ در هر بلوکی وقتی اداره ثبت تاسیس میشود برای اینکه افتتاح رسمیش معلوم شود چند نفر از معتمدین محل و مأمورین ادارت دولتی را خبر میدهند مثل انجمن انتخابات ده روز قبل خبر میدهند کہ ده روز بعد افتتاح رسمی دارہ ثبت خواهد بود و سعی میکنند کہ مردم را جمع کنند و البته و حتی الامکان هر کس کہ میل دارد خواهد آمد آنوقت آن مدیر ثبت قانون را تشریح میکند کہ مردم مفاد قانون را اطلاع پیدا کنند و بعد از آن ہم هر کس کہ اطلاعاتی بخواهد رجوع میکند و بہ او می فہانند کہ منظور از این قانون چه چیز است حالا کسی کہ در آن محل ملک دارد یا شریک ملک دارد میداند کہ اگر زود ثبت نکنند دیگری خواهد رفت و ملک

اورا به اسم خودش ثبت خواهد کرد بالطبع از آروز در نظر خواهد داشت و بموقع خودش میرود ثبت میکند آقا میدانند که در دهات مخصوصاً در دهاتی که خرده مالک زیاد دارد این قبیل مسائل کمتر است آنجا بیشتر مواظب خودشان هستند بلی املاک حضرت والا ممکن است در حدودش يك اشکالی پیدا شود تا املاکی که خرده مالک است املاک حضرت والا املاک وسیعی است در املاک وسیع ممکن است اشکال پیدا شود ولی در املاک کوچک و يك دهی که تمام مالکین آن اهل خود آن ده هستند این اتفاق نمی افتد شما اگر برای خودتان این دفعه را میگردید بنده قبول داشتم ولی برای موکلین ضعیفی که فرمودند بنده تصور میکنم که هیچ جای نگرانی نیست عرض کنم مسئله بلوکی که فرمودند تصور میکنم که چون در مجلس شورای ملی بطور رسمی گفته شده است خاطر نماینده محترم که بجواب هم گوش نمیدهند از این بابت میباید آسوده باشد در بلوکات (آقای عباس میرزا جواب شما را عرض میکنم) عرض کردم ما اول از شهرها شروع میکنیم بعد در بلوکات حالا اگر هم بخواهند این مسئله را بشکل يك تبصره بنویسند بنده حرفی ندارم چون عملاً این کار را میکنیم بنده موافقم که این تبصره نوشته شود چون حوزه ها را ما کوچک گرفتیم برای همین مسئله که يك حوزه های وسیعی نشود والا اگر ما می آمدیم مثلاً در شهر تبریز يك اداره ثبت درست میکردیم و بعد میگفتیم که در شصت فرسخی هم هر کي ملك دارد بیاورد اینجا ثبت کند ومدت را هم از روزی که اداره ثبت در تبریز تشکیل شده است قرار میدادیم البته برخلاف انصاف بود ولی ما برای هر قسمتی الزام را از آروزی قرار دادیم که اداره ثبت در آن بلوک تشکیل شده باشد و اگر هم لازم میدانید این قسمت را بنویسید که اول در شهرها تشکیل خواهیم داد بعد بلوکات را بنده موافقم...

بعضی از نمایندگان - خیر مخلف هستیم

وزیر عدلیه - بعلاوه در قسمت اشاره هم که راجع باطلاعات اهالی فرمودند ضرورت دارد عرض میکنم يك

پیشنهادی را آقایان امضا کرده اند که بنده هم موافقم میباشد اینجا و مطرح میشود و رفع آن اشکال هم خواهد شد.

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم ولی آقای وزیر به کسی فرصت نمیدهند

نایب رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم

نایب رئیس - آقای دهستانی

دهستان - موافقم

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

نایب رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده اگر مختصر عرضی میخواهم بکنم فقط

و فقط برای انجام يك وظیفه است که در ضمن این که يك عده مرا مبعوث کرده اند مرا ملزم کرده اند که این وظیفه را انجام بدهم وجداناً و عقلاً خودم را مجبور میدانم که اظهار عقیده خودم را بکنم البته خارج از حدود وکالتی شخص خودم عرض نخواهم کرد بنده نمیخواهم عرض کنم که اشخاصیکه برای اجرای این امر لازم است بقدر کفایت يك مردم قابل اعتمادی نداریم این را عرض نمیکنم که داریم یا نداریم، عرض نمیکنم مفاسدی که به چشم بنده می بینم در ضمن اجرای این قانون حادث میشود چطور خواهد شد، آنرا هم عرض نمیکنم. شد شد، نشد نشد، این را هم باز عرض نمیکنم که این اوراق را هم که می خواهند منتشر کنند تمام مردم باید سواد داشته باشند و عادت بخواندن مطبوعات و اوراق و جرائد داشته باشند در صورتیکه در مملکت ما اینطور نیست و شاید در صدي دو یا صدي سه بیشتر سواد نداشته باشند و آنوقت هم آنهایی که سواد دارند عادت به خواندن جرائد و اوراق و مطبوعات ندارند، این هم باشد این را هم

عرض نمیکنم که مردم ایران هنوز عادتشان و عقیده شان این است که هیچ مرجعی جز آن خان و گدخدا و شخص متنفذ وجود ندارد و با این ترتیب يك مرتبه وارد کردن يك همچو قانون برای آنها چه اثراتی خواهد داشت. این را عرض نمیکنم فقط عرض بنده يك کله است و آن این است که حالا عرض میکنم بنده عقیده ام این است که این قانون مخالف شرع است...

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

کازرونی - بنده عقیده خودم را عرض میکنم باین معنی عرض میکنم که در شرع اسلام از يك طرف مرور زمان و از يك طرف دیگر ثبت در ورقه مزبل حق کسی نمیتواند شود، این را بنده اینجا باین سادگی عرض میکنم که در شرع اسلام اگر چنانچه مرور زمان شد و دعوا نشد حق را زائل نمیکند و ابطال حق او را نمیکند و همچنین ثبت در دفتر حالا مطابق این قانون اگر در دفتر يك ملکی را ثبت کردیم حق زائل میشود؟ عرض میکنم که این مسئله برخلاف شرع است، میفرمائید در شرع اسلام اینطور است که اگر ثبت نکنند حقشان زائل است؟ خوب بفرمائید که بنده هم متقاعد بشوم، در هر صورت بنده عرض این مسئله را وظیفه دیناتی خودم میدانم و بر بنده واجب بود که انجام دهم و دیگر هیچ عرضی ندارم و هیچ پیشنهادی نخواهم کرد و مخالفتی هم دیگر نمیکنم

مخبر - آقای کازرونی التفات بفرمایند. بنظر بنده اگر در این مملکت ده سال، پانزده سال قبل از این اشخاص در فکر وضع چنین قانونی می افتادند سالها مملکت بطرف ترقی جلو میرفت:

یک نفر از نمایندگان - بلند تر

مخبر - عرض کردم اگر ده پانزده سال قبل از این يك اشخاصی در این مملکت پیدا میشدند و در فکر وضع چنین قانونی می افتادند این مملکت سالها به طرف تکامل جلو میرفت. بنده لازم میدانم عرض کنم که آثار

این ثبت در اوضاع اقتصادی و اخلاقی این مملکت چیست، آقایان خوب میدانند که باید در این مملکت وضعیاتی ایجاد کرد که افراد جامعه میل بکار و تولید ثروت داشته باشند، چشم انداختن با املاک مردم و بالاخره عدم استفاده از عوامل کار برای مملکت از نقطه نظر اوضاع اخلاقی مضر است، آقایان میدانند که منشاء نزاع و اختلاف غالباً همین دعوی است و ثابت نبودن مالکیت اشخاص است اگر ما يك ترتیبی داشتیم و دفتر ثبت املاکی داشتیم در صورت موجبات تفاق بین خانواده ها مرتفع میشد و مردم میدانستند که باید در سایه سعی و عمل ثروت تولید کنند بنا بر این اگر منافع و مضار این کار را با هم بسنجیم اصلاً ضرری نخواهد داشت و منافع هم لاتعد ولا تحصى است. اما این که آقای کازرونی بجنبه شرعی این مسئله اشاره فرمودند. اولاً بنده تصور میکنم که علاقه مخصوص همه نمایندگان محترم بان جهتی که ایشان اظهار کردند و وجود آقای مدرس در کمیسیون بهترین دلیل است و ثانیاً اینکه اصلاً مطلب اینطور نیست که ایشان میگویند بالاخره مؤسسات ما، مؤسسات قضائی ما اصلاً برایشان مقدور نیست که بواسطه وجود اسنادی که در يك مدنی دعوی نسبت بانها تولید نشده باشد و بواسطه مرور زمان امکان فصل غیر مقدور باشد قبول دعوی بکنند، در هر صورت بنده تصور میکنم از جهتی که ایشان فرمودند اشتباه کردند و هیچ مخالفتی ندارد و در این مملکت برای هیچ عدلیه مقدور نیست که دعوی صد ساله را طرح کنند و حکمیت کنند بنا بر این بنظر بنده در این ماده مذاکرات کافی است و اگر هم آقایان نظری دارند پیشنهاد میدهند و نظر بانها در ضمن توضیح در پیشنهادات معلوم خواهد شد که اگر ممکن باشد موافقت شود

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

اقا سید یعقوب - بنده يك عرضی دارم که درضمن مخالفت میخواهم عرض کنم برای رفع اشتباهی که آقای دکتر مصدق اشاره کردند عرض میکنم که این قانون ثبت اسناد يك قانون نازہ نیست در بیست سال قبل قانون ثبت اسناد تصویب شد و در دوره پنجم هم دو باره این قانون آمد و تصویب شد بنده خودم در دوره پنجم در کمیسیون عدلیه بودم که این قانون گذشت پس این يك قانون نازہ نیست که ما حالا با شوم سر با و شروع کنیم به زاع کردن يك مسئله دیگر هم هست که چون بنده احاطه بمواد ندارم سؤال میکنم که آقای مخبر که احاطه دارند جواب بفرمایند، اینکه این جا نوشته شده است که تا چهار ماه اعلان کنند اگر در این چهار ماه مدعی آمد، مثلاً بنده خانه را بدم ثبت کنم در این مدت بکنفری اعتراض بر مالکیت من کرد برای من این مسئله روشن نشده است که چه خواهد شد بمجرد اینکه اعلان در جرائد شد یعنی در محل هائسی که قابل توجه است اعلان شد بعد معترضی آمد و اعتراض کرد باید بدانیم که بعد از اعتراض معترض تکلیف اداره ثبت اسناد چیست؟ اگر در این مواد تکلیف را معین کرده که به بنده بگوئید و اگر ندارد باید تبصره نوشته شود که ثبت اسناد فوراً باید ثبت را موقوف کند و محاکمه را به محکمه مربوطه رجوع کند

وزیر عدلیه - عرض کنم در قانون هست که وقتی معترضی اعتراض کرد فوراً صورت اعتراض او را برای تقاضای ثبت کننده میفرستند او بایستی که یا تسلیم شود و تقاضایش را پس بگیرد یا آنکه اگر تسلیم نیست کارشان به محاکمه می کشد این جا ما کاری که کرده ایم این است که سابقاً معمول این بود که يك کسی که اعتراض میکرد فوراً جلو ثبت ملک را می گرفتند و باید صاحب ملک برود در محکمه دعوی کند ولی ما اینجا نوشته ایم که اگر تا دو ماه اعتراض کننده نرفت به

محکمه و عریضه بدهد یا اینکه پس از تعقیب در مدت دو ماه مسکوت گذاشت حق اعتراض ساقط خواهد شد
نایب رئیس - آقای عمادی
عمادی - موافقم فقط يك اصلاح عبارتی را در نظر داشتم که پیشنهاد میکنم.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
افسر - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید
افسر - چون بر بنده معلوم نشد، شاید آقایان مسبوق باشند که اگر يك ملکی را يك کسی تقاضای ثبت کرد و تصرف کرد و بعد معلوم شد که از طرف مأمور ثبت اشتباهی شده است تکلیف چیست؟

نایب رئیس - راجع به کفایت مذاکرات بفرمائید
افسر - بنده خواستم مذاکره شود و بفهمم که چه خواهند کرد.

وزیر عدلیه - عرض کنم در ماده شصت و ششم که الان خواندم ملاحظه فرمودید که اگر بنا شد در ثبت ثقلب و تزویری شد که یکی از مواردش هم همین است که حضری والا فرمودند آنوقت میشود این شخص را که این کار را کرده است تعقیب کرد و البته کسی که این ثقلب را کرده باشد مطابق قانون جزا باید تعقیب شود اگر داری داشته باشد که خسارت را از او خواهند گرفت و این تعقیب البته در يك حدودی است که ثبت را متزلزل نکنند

نایب رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات
آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت می شود
سه فقره پیشنهادی که راجع بمدت شده است هر سه قرائت میشود بعد تکلیفش معلوم میشود.
(بنحو آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای مفتی

پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای عبارت چهار ماه نوشته شود شش ماه

پیشنهاد آقای ملک مدنی

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول مدت اعتراض شش ماه معین شود

پیشنهاد آقای امامی

بنده پیشنهاد میکنم جمله چنانکه در ظرف چهار ماه از تاریخ اولین اعلان بترتیب ذیل اصلاح شود: چنانکه کسی در ظرف شش ماه الی آخر،

نایب رئیس - آقای مفتی

میرزا عبد العزیز (مفتی) - بنده خودم عضو کمیسیون هستم و با این ماده کاملاً موافقم فقط بواسطه این که وسائل نشر کاملاً مرتب نیست مدت چهار ماه کم است و بعقیده بنده اگر تبدیل بشش ماه شود بهتر است که با وسائل نشری که داریم کاملاً اطلاع پیدا کنند بنده کاملاً با ماده موافقم ولی از این نقطه نظر (در کمیسیون هم عرض کردم) که چون وسائل نشر ما مرتب نیست مدت شش ماه شود

نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی عضو کمیسیون هستم.

حاج میرزا مرتضی - خیر

نایب رئیس - آقای عراقی

عراقی - اصلاً بطوری که آقای آقا سید یعقوب فرمودند ما يك قانونی برای ثبت اسناد داشتیم این قانون را هم که آوردیم برای کم شدن دعاوی و راحت شدن مردم است اگر اینطور بشود که ما چهار ماه را شش ماه بکنیم آن معترضین وقتشان زیاد تر میشود و بیشتر اسباب زحمت مردم میشود و این چهار ماه بهترین موقعش است بعضی ها عقیده به سه ماه داشتند ولی کمیسیون چهار ماه مدت معین کرد

مخبر - بنده میخواستم عرض کنم که در قانون اسبق مدت شش ماه بوده است ولی در ضمن عمل دولت دیده است که باعث يك مشکلاتی برای تمام اشخاصی که رجوع می کردند شده باین علت در دوره پنجم این مدت تقلیل یافته و به چهار ماه رسیده بنده تصور میکنم که اگر نظر آقای مفتی این است که مردم مستحضر شوند بطوریکه آقای وزیر عدلیه فرمودند و عدله از آقایان هم تبصره پیشنهاد کرده اند وسایل اطلاع مردم کاملاً فراهم میشود این است که بنظر بنده ضرورتی ندارد

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - چون آقایان فرمودند قبول نمی کنیم بنده عقیده ام این است که هر قانونی اصولش را باید محکم کرد و در جزئیات آن این قدر اختلاف نکرد و بهم بحث نکرد. اصول قانون وقتی محکم شد چهار ماه و پنج ماه و شش ماه چه اهمیتی دارد؟ لهذا حالا آقایان پیشنهاد کرده اند شما هم قبول کنید چون این جزء اصول نیست خوب چهار ماه پنج ماه بشود چه اهمیتی دارد؟ اسباب توسعه وقت مردم باشد

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - در وضع قوانین باید اخلاق و عادات مردم را هم در نظر گرفت این اشخاصی که در ولایات هستند روزنامه هیچوقت نمیخوانند چنانکه در طهران هم بنده خیال میکنم صدی بیست مردم جراید را نمیخوانند که مطلع بشوند بنظر بنده همینطوری که آقای مدرس هم فرمودند يك قانون مهمی است و در اساس خود بنده هم موافقت میکنم و در همه جایش رأی میدهم ولی شهادت برای آن اشخاصی که ممکن است دیر تر مطلع شوند يك تسهیلی است و بهتر است خوبست آقای مخبر هم موافقت بکنند و اینقدر پافشاری نکنند زیرا نظر ما که شهادت را پیشنهاد کردیم تسهیل برای يك اشخاصی است که ممکن است بی اطلاع باشند یا در این مملکت نباشند در خارج این مملکت باشند باید با آنها اطلاع بدهند خودشان در این

جا حاضر بشوند برای این که خودشان رفع اختلافشان را بکنند و باینجهت نظر بنده این است که موافقت بکنند که مدت همان شش ماه باشد.

وزیر عدلیه - عرض کنم بد بختانه هر قدر سعی می شود يك قانونی قبلا با آقایان مذاکره میشود که در مجلس کمتر بحث بشود و آقایان نظریات خودشان را تصریح بفرمایند که در مجلس اینطور پیشنهادها نشود باز هم نمیشود. زیرا بالاخره راجع باینموضوع بنده در خارج با آقایان صحبت کردم و اکثریت هم موافقت کرد حالا این نظر پیدا شده و بنده میخواهم میانه این دو نظر باشد و تنها میگویم آقایان هم موافقت بفرمایند که نه شش ماه باشد و نه چهار ماه. پنج ماه معین کنند بعضی از نمایندگان - چهار ماه کافی است

نایب رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - چون بنده می بینم که اینجا دو عقیده هست يك عده طرفدار چهار ماه وعده دیگر طرفدار شش ماه هستند. از آنطرف هم اطلاعی که بنده از نظر کمیسیون دارم این است که پنجاه هم اگر بشود اشکالی ندارد باین جهت بنده نسبت به پنجاه اشکالی ندارم

نایب رئیس چون نسبت به پنجاه پیشنهادی نیست نسبت به چهار ماه رای میگیریم

خطیبی - بنده پیشنهاد میگویم

مفتی - بنده هم با پنجاه موافقت میگویم

ملک مدنی - بنده هم موافقم

نایب رئیس - آقای امامی هم موافقتند؟

امامی - بلی.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دادگر اصلاح عبارتی (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم: جمله راجع به املاک دولت نوشته شود: ثبت راجع به املاک متصرفی دولت مخبر - اگرچه در قسمت قبل همین ماده تصریح شد

اشخاصی که متصرف املاک هستند معذک این تصریح خیلی مفید است و بنده هم قبول میگویم
نایب رئیس - پیشنهاد آقای عمادی (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میگویم بعد از کلمه مستغلات در ابتداء ماده اول و غیره ها نوشته شود

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - این فقط يك تصحیح عبارتی بود چون اینجا نوشته است (کلیه اموال غیر منقول اعم از املاک مزروعی و مستغلات و غیره) این عبارت خوب نیست بنده نوشتم و غیره ها باشد. بهتر است و گمان میگویم آقای مخبر هم قبول بفرمایند

مخبر - گمان میگویم در طبع اشتباه شده حرف واو باید اضافه شود (و غیره نوشته شود بنده قبول میگویم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای محقق

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میگویم عوض سه سال پنجسال نوشته شود

نایب رئیس - آقای محقق

آقا سید جواد محقق - بنظر بنده نظر به ترفه حالی که بعضی از آقایان اظهار کردند نسبت به ضعاف مردم و نظر باینکه برای اشخاص دور دست از آبادی های بزرگ آسان باشد پیشنهاد کردم که عوض سه سال پنجسال نوشته شود برای آسایش عمومی

وزیر عدلیه - بنده سه چهار مرتبه عرض کردم حوزه های ثبت اسناد بزرگ نخواهد بود اقا گفتیم در بلوکات هر بلوکی يك حوزه ثبت دارد و همینطور شهر و حومه شهر در این صورت يك حوزه های وسیعی نخواهد بود که اشخاص اطلاع پیدا نکنند و دبر بیابند بعلاوه در اینجا مدت خیلی زیاد است منتها آن کسی که دبر ترمی آید کرائت را باید بدهد. این است که بنده تصور میگویم اگر آقای محقق موافقت بفرمایند و پیشنهاد را

مسترد بدارند بهتر است

محقق - پس گرفتم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دولتشاهی

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میگویم بعد از عبارت ثبت املاک در سطر دوم اضافه شود مطابق قانون اخیر ثبت املاک ثبت میشود

نایب رئیس - آقای دولتشاهی

دولتشاهی - بنده نظرم اصلاح عبارتی است در هیچ کجای این قانون تذکری بقانون اخیر ثبت املاک داده نشده است. دو قانون اینجا هست يك قانون اسبق است و يك قانون سابق برای اینکه اینجا سوء تفاهم تعبیر و سوء تفاهم نشود خوبست اضافه شود که مطابق قانون اخیر ثبت املاک.

وزیر عدلیه - این طبیعی است هر قانونی که بعد میآید قانون سابق را نسخ میکند چنانکه قانونی که در دوره چهارم آمد قانون قبل خودش را نسخ کرد و يك قانونی است که الان در دست است و جز بعضی تکه ها که در اینجا متناقض با آن است مثل نقشه کشی و غیره چون این قسمت بعد از آن آمده آن قسمت را نسخ میکند ولی سایر قسمتهای آن قانون البته به قانونیت خودش باقی است و گمان می کنم بعد از این توضیح دیگر محتاج به این پیشنهاد نباشد.

نایب رئیس - مسترد کردند پیشنهاد آقای رفیع

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میگویم که نوشته شود در ماده اول (تومانی

نیمشاهی) صدی ربع از يك

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - وقتی این قانون به مجلس آمد همه آقایان استقبال کردند و برای اینکه این دعوی ها که در مملکت بود خاتمه داده شود بالاخره تنها چاره ای

که دانستند این بود که قانون ثبت اسناد از مجلس بگذرد آمد و در تحت نظریات کمیسیون قوانین عدلیه با موافقت آقای وزیر عدلیه گذشت و گمان میگویم راجع به شرعی بودن یا نبودنش آنچه که باید رسیدگی بشود شده است و گمان نمیگویم سلب حقی در کار باشد. چیزی که هست در این ماده میگوید من که محکمه هستم می گویم هر که پنجسال مثلا دعوی دارد میرسم نه اینکه بگویم او دعوی ندارد ما میخواهیم يك کاری بکنیم مالیات هم که نمی خواهیم برای مردم بگذاریم. نقشه هم که کشیده میشود و چون بیکدوری هم مخارج دارد باید از مردم يك پولی گرفت ولی از آنطرف باید فکر کرد مبلغ خیلی زیادی شود مردم وقتی مجبور شدند بروند املاکشان را ثبت کنند خیلی مبلغ زیاد میشود. درست است. شاید برای آقای عباس میرزا از نقطه نظر تمولی که دارند صدی يك اسباب زحمتشان نباشد ولی نسبت بسازین خیلی صدمه میزند. حالا ایشان میگویند از طرف فقرا وکالت میکنند و دفاع می کنند چه عرض کنم ولی بنده مجبورم عرض کنم که برای خرده مالکین این مبلغ خیلی زحمت است. این را باید صدی نیم کرد بعقیده بنده که ربع بشود از يك که بالاخره هم املاک مردم به ثبت رسیده باشد هم پولی رسیده باشد و هم مردم در زحمت نباشند

وزیر عدلیه - نمائنی که دارم این است که آقایان گوش بدهند این موضوع بعقیده بنده خیلی موضوع مهمی است برای ما و برای ملت فوق العاده اهمیت دارد اولاً مبلغ مبلغ زیادی نیست زیرا کسی که ده هزار تومان ملك داشته باشد باید پنجاه تومان بدهد. بیست پنج تومان اول بعد هم بیست و پنج تومان و بعد بکلی آسوده باشد از هر کشمکش. و این آسودگی و امنیت می آرد باینکه يك چنین مبلغی را بدهد و بنده تصور میگویم که اشخاص ده هزار تومان کمتر هستند اما آن کسانی که پائین تر هستند به همین نسبت مبلغ پائین تر میرود آن خرده پائی یا آن کسی که صد تومان دارد چقدر

میدهد؟ پنجقران. از طرف دیگر آقایان میگویند تشکیلات قضائی فعلی کافی نیست در يك نقطه تشکیلات قضائی دارد و خیلی از اطرافش نیست تا پنجاه فرسخ اطرافش نیست و بالاخره این را باید يك اساسی ریخت که پنج سال دیگر لا اقل بشود يك کاری کرد و يك علاجی برایش گو. باید يك همچو قانونی بگذرانیم و بگوئیم اشخاصی که دارای يك ملک هستند به تناسب آن ملک مخارج اداره ثبت اسناد را بدهند و بنده عقیده دارم که آقایان کاملاً موافقت بفرمایند با این قسمت که بتوانیم این کار را عملی کنیم. و بنده مخصوصاً از آقایان منت میگویم در اینجا موافقت بفرمایند و با همین تومانی يك شاهی موافقت کنند

مخبر - بنده نمیتوانم قبول کنم

نایب رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای رفیع

رفیع - مسترد میدارم چون موافقت نمیکنند

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد می کنم که در اول ماده اول نوشته شود ماده اول - کلیه اموال غیر منقول اعم از املاک مزروعی و مستغلات و غیره بتقاضای مالکین در دفتر ثبت املاک ثبت میشود

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - امیدوارم انشاء الله یکوقتی بشود که همه نزاعها در این ملکیت مرتفع بشود ولی این نخواهد شد مگر با اجرای قانون مجازات کاغذ ساز را بگیرند و به قانون شرع مجازات کنند. آن کسی که کاغذ را بتقلب مهر میکند بگیرند مطابق قانون شرع مجازا کنند تمام این دعوی ها موقوف میشود. والا با این ترتیبات هیچوقت رفع دعوی نمیشود مگر اینکه در اوایلش بقدری بر نزاع بیفزاید که تمام املاک مردم متزلزل شود، حالا ازین صرف نظر میکنیم در این ماده در اولش مینویسد

کلیه اموال غیر منقول اعم از املاک مزروعی و مستغلات و غیرها باید در دفتر ثبت شود این لفظ باید را خواهش میکنم بردارند و «به تقاضای مالک» در عوضش باشد یعنی مالک بیاید تقاضا کند و آنوقت ثبت کنند نه اینکه «باید» این لفظ باید را در جائی استعمال میشود کرد که پشت سرش يك مجازات معینی باشد، چون اینجا مجازات معینی نیست خوبست لفظ باید بیفتد و به تقاضای مالک نوشته شود.

مخبر - بنده این کله را نمیتوانم قبول کنم که حذف شود چون حذف این کله مستلزم این است که وضعیات سابقه در املاک تجدید شود در صورتیکه نظر دولت و مجلس این بود که همان قانون سابق باشد دیگر این پیشنهاد را نمیکرد لذا این کله باید صحیح است بعلاوه اینکه فرمودند اختیاری است و مجازات ندارد اینطور نیست و این کله باید که نوشته شده است آن جریمه هائی که در هر سال معین کرده اند که اگر هر يك سال نگرقتند يك صدیک بدهند آن مجازاتش است بنا بر این قبول نمیشود

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. تبصره پیشنهادی آقای غلامحسین میرزا (بشرح آتی قرائت شد)

تبصره ذیل را به ماده اول پیشنهاد میکنم تبصره - مواد قانون ثبت اسناد که صریحاً در این ماده نقض نشده بقوت خود باقی است. وزیر عدلیه - کاملاً موافقم ولی چون مطلب همین است لازم بذکر نیست.

نایب رئیس - آقای غلامحسین میرزا

غلامحسین میرزا - توضیحانی که فرمودند بنظر بنده کافی نخواهد بود و بالاخره يك ترتیبات و جریاناتی دارد

که در قانون اخیر ذکر شده است و تا آنها بقوت خودش باقی نباشد ممکن نیست لهذا اگر این تبصره را قبول بفرمایند تصور میکنم نظریه خودشان را هم تأمین کنند و خوبست نوشته شود

مخبر - بنظر بنده با تذکری که آقای وزیر عدلیه دادند لازم نیست و خواهش میکنم نماینده محترم مسترد بفرمایند چون مسلماً اگر در اینجا يك ماده تصریحاً نقض نشده باشد دلیلی برای نقضش نیست.

غلامحسین میرزا - مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در عوض در نقاطی که اداره تا باخر نوشته شود در شهر هائی که ثبت اسناد تا باخر اما در دهات این قانون چون نمیشود عملی کرد فعلاً مسکوت عنه ماند اگر کسی هم خواست ثبت کند

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا چون گفتند در شهرها امکان دارد در آن قسمت عرضی ندارم اما ما میدانیم وهمه میدانند که دهات هست در اطراف شهرها که بیست و پنج فرسخ سی فرسخ از شهر دور است و اطلاع هم پیدا نمیکند. حالا اگر بنا شد این قانون را در آن دهات دور دست هم بخواهند بگویند عملی است و حال آنکه نمیشود عملی کرد آنوقت در آنجا یکی دو تا سه تا ثبت می کنند و باقی محروم میمانند وقتی که يك عده محروم ماندند آنوقت در جائی که بعضی املاک ثبت دارد و بعضی املاک ثبت ندارد خوب املاک بی ثبت غالباً متزلزل خواهد شد. باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم (اگر قبول کنند) که در شهرهائی که دفتر ثبت اسناد هست و در آن شهر اداره ثبت اسناد موجود است در آن شهرها این قانون باشد ولی در دهات که دفتر ثبت اسناد نیست این قانون مسکوت عنه ماند تا این که بعد از مدتی که از شهرها فراغت پیدا کردند

آنوقت در دهات شروع بکنند و عملی بشود مخبر - بنظر بنده این پیشنهاد آقای فیروز آبادی را همان فرمایشات آقای وزیر عدلیه جواب داد. منتها ایشان توجه فرمودند و به مفاد ماده هم توجه فرمودند. زیرا که مطابق تذکری که از طرف آقای وزیر عدلیه داده شده حوزه های متعدد تشکیل خواهد شد و لااقل هر بلوکی يك حوزه ثبت اسناد دارا خواهد شد در اینصورت نظر حضرت عالی تأمین خواهد شد فیروز آبادی - پس میگیرم.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای محقق

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در سال چهارم بعد تا پنجسال صدی يك حق الثبت باشد

نایب رئیس - آقای محقق

آقا سید جواد محقق - نظر به آن آسایش که آقای رفیع و سایر آقایان باز به ضعف خلق نظر دارند نظر به آن آسایش که منظور آقایان است خوب است از چهار سال بعد تا پنجسال حق الثبت صدی يك باشد مخبر - بنده درست ملتفت نظر آقا نشدم اگر نظر آقا اینست که از سال چهارم به بعد کلیه در پنج سال صدی يك باشد یا برای هر سالی صدی يك؟ ... محقق - خیر از سال سوم تا آنطرف در هر سال صدی يك باشد.

مخبر - بنده تصور میکنم این اندازه نظریه حضرت عالی دارید نسبت بارفاق باشخاص که سرمایه ندارند آن می کنم این اندازه مؤثر نیست. در این باب خیلی سعی شده است و نظر ایشان هم تمدید مدت سه سال است و نمیشود قبول کرد

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای محقق

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

نایب رئیس -- تصویب نشد تبصره پیشنهاد آقای
ملك مدنی

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میخایم تبصره ذیل به ماده اول اضافه
شود .

تبصره -- در موقع ثبت در بلوکات و قری باید مأمورین
ثبت بوسیله اعلانات چاپی که در هر دهی چند نسخه الصاق
شود ساکنین آن محل را مطلع نمایند

نایب رئیس -- آقای ملك مدنی

ملك مدنی -- گرچه آقای وزیر عدلیه تذکره دادند که در نظامنامه
وسیله اطلاع را تأمین میکنند ولی چون نظامنامه ها تقریباً
يك صورت قانونی ندارد (مکنتست که وقت هم بشود) و
اغلب اشخاص خرده مالك و اشخاصی که در دهات
هستند وسیله اطلاع ندارند (حالا در شهرها شاید وسیله
اطلاع باشد) این است که بعقیده بنده اگر موافقت
بشود که در اصل قانون وسیله انتشار قید بشود خیلی
لازم است. این است که بنده این پیشنهاد را کرده ام
زیرا اکثریت ملاکین خرده در دهات هستند و هیچ
اطلاع ندارند و ممکن است يك سلب حقی از آن ها
بشود .

مخبر -- بنده تصور می کنم آقای ملك مدنی توجه
به آن تبصره که آقایان نمایندگان پیشنهاد کردند ندارند
(بعضی از نمایندگان -- ماده الحاقیه) خیلی خوب ماده
الحاقیه. آن پیشنهاد نظر ایشانرا تأمین میکند لذا بنده
تقاضا میکنم پیشنهادشانرا مسترد نکنند

نایب رئیس -- رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای
ملك مدنی

یاسائی -- نمیشود آقا با آن ماده الحاقیه که ماییشنهاد
کرده ایم

نایب رئیس -- آن ماده الحاقیه است. این تبصره
است .

یاسائی -- ماییشنهاد کرده ایم تقاضا میکنیم ماده الحاقیه
تبصره شود

وزیر عدلیه -- بالاخره این همه بحث و صحبت قبلی
برای این بود که ما بتوانیم در مجلس با يك نظم و
رتبتي این کار را انجام کنیم. و بالاخره يك پیشنهادی
هم جمعی از آقایان امضا کرده اند آن پیشنهاد را بخواهید
مطالعہ کنید و اگر موافق میلان شد با آن موافقت
بکنید. بنده گمان میکنم آن جامع تر از اینست. و اگر
در آن پیشنهاد تامل بکنید و آن را قبول بکنید بهتر
خواهد بود

یاسائی -- پیشنهاد ما هم تبصره شود فرق نمیکند

ملك مدنی -- بسیار خوب مسترد میکنم

نایب رئیس -- تبصره های پیشنهادی آقای خواجوی
(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل به ماده اول اضافه شود
تبصره -- اگر اصل رقبه بدون نقشه و تعیین حدود
ثبت شود و مستدعی ثبت پس از زمانی نقشه و حدود
ملك را ترسیم و تکمیل نموده تقدیم اداره ثبت املاك
نماید باید پذیرفته و پس از اعلان رسمی و رفع اعتراض
باید ثبت و سند مالکیت حدود را صادر نماید و چون
در موقع ثبت اصل رقبه تومانی بکشاهی گرفته شده دیگر
حق اخذ وجه بعنوان حق الثبت نخواهد داشت

نایب رئیس -- آقای خواجوی

خواجوی -- این پیشنهادی که بنده کردم برای این
بود که اگر اصل رقبه که ثبت میشود بدون حدود باشد
و بعد آس طرف نقشه ملك را تکمیل کرد و تقدیم کرد
باید اداره بپذیرد و آرا ثبت کند و چون در اول حق
ثبت را گرفته دیگر نباید پول بگیرد

وزیر عدلیه -- عرض کنم آقا در خارج مطلبشان
را گفتند بنده گفتم وقتی که مالك آمده است و بایک
حدودی که معین شده است و اعلان هم شده است و اعتراضی
هم نشده است ثبت کرده بعد اگر نقشه ای که مطابق

آن حدود بود آورد ثبت اسناد که ثبت کند اگر در
آن نقشه تصریح شده باشد که يك اختلافاتی با آن حدود
سابق باشد البته آرا اعلان میکنند ولی البته در آن
قسمت نمی آیند يك پول ثانوی بگیرند. برای اینکه فقط
يك مرتبه پول برای ثبت می گیرند و گمان میکنم ذکرش
لازم نیست

خواجوی -- با این توضیحی که دادند پیشنهاد اولی
را مسترد میکنم

(پیشنهاد دومی آقای خواجوی بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده اول اضافه شود
تبصره -- املاکی که قبل از تصویب این قانون تقاضای
ثبت شده و حدود آن مجاور ملك خالصه بوده و بواسطه
اعتراض مالیه بر صلاحیت عدلیه ثبت نشده مشمول این
قانون است و اعتراض مالیه لغو و باید محکمه عدلیه
رسیدگی و رأی خود را اعلام و آن ملك ثبت شود

وزیر عدلیه -- بنده قبل از این که خودشان توضیح
بدهند چون در خارج با بنده صحبت کردند جوایش
را عرض می کنم. این جا نوشته اند که يك املاکی مجاور
است با املاك خالصه تقاضای ثبت شده است مالیه
اعتراض کرده است و بعد گفتند اعتراض بر صلاحیت
عدلیه دارد و گفتند باین جهت ثبت نشده. بنده نمیدانم
مالیه اصلاً چگونه میتواند اعتراض بر صلاحیت عدلیه کند
و راجع باملاك خالصه دعاوی کند. البته اگر مالیه
اعتراضی دارد و مثل يك معترض دیگر اعتراض خودشرا
میدهد بعد هم باید بیاید در محکمه عدلیه ثبت نماید که
حق دارد و حق خودشرا ببرد

افسر -- این خوب حرفی است ولی عملاً این ضور
نیست .

نایب رئیس -- آقای خواجوی

خواجوی -- چون نظیر این مطلب چندین مرتبه
واقع شده است و همانطوریکه فرمودند بنده در خارج ...
وزیر عدلیه -- بنده مطلب را قبول میکنم بشرطی

پس بگیرید

خواجوی -- چون قبول فرمودند پس میگیرم
وزیر عدلیه -- خیر. یعنی مطلب را قبول کردم

نایب رئیس -- مسترد داشتید آقا؟

خواجوی -- بلی

(تبصره سوم پیشنهاد آقای خواجوی بشرح آتی
خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده اول اضافه شود
تبصره -- در صورت اعتراض مستدعی ثبت ملك برای
استدلال حق خود میتواند تصدیق از محکمه گرفته سواد
صورت مجلس و اعتراضات معترض را و سواد نقشه را
گرفته از دفتر ثبت املاك و تقدیم محکمه نماید

نایب رئیس -- آقای خواجوی

خواجوی -- اکنون در جریان ثبت اسناد در موقعی
که اعتراض نسبت بیک ملک که مستدعی ثبت استدعا
کرده است که ثبت شود میشده و معترض یا طرف عرض
حال تقدیم محکمه میکرده استدلالات خودشان را از
روی اعتراضاتی که در سر ملك شده بود و نقشه برداری
شده بود میگردند و سواد آرا از ثبت اسناد تقاضای
کردند. اداره ثبت اسناد استنکاف از دادن میکرد لذا
بنده این پیشنهاد را تقدیم کرده که این مسئله قانون
بشود که اجازه داده شود که اگر معترض یا مستدعی
ثبت تقاضای سواد آن نقشه یا اعتراضات ملك را کرده که
محکمه تقدیم کنند که مرافعه زودتر ختم شود مجاز
باشد این کار را بکنند و سواد داده شود

وزیر عدلیه -- بنظر بنده يك اختلافات نظری که
در محاکم گاهی اتفاق افتاده آقای خواجوی بخواهند
در ضمن این قانون ثبت اسناد نامه آنها را حلش بکنند
این راه هم به بنده فرمودند بنده عرض کرده که هر وقت
يك کسی استناد میکند به يك سندی و میگوید اسناد
من در فلان اداره دواتی است محکمه وقتی که تصدیق
کرد میروند در آن اداره میاورند و این مطلب محتج

به نوشتن در این قانون نیست. باز هم تصور میکنم پس از این توضیحی که بنده دادم قانع شوند و این پیشنهاد را هم پس بگیرند

خواججوی - استرداد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میشود بعد از کلمه (اعلان) نوشته شود (در جراید محلی و غیره)

نایب رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده توضیح مفصلی ندارم خدمت آقای وزیر عدلیه عرض کردم این کلمه اعم ممکن است جراید را محروم بدارد از این اعلان این است که بنده پیشنهاد کردم که هم بوسیله جراید اعلان شود و هم ترتیبات دیگر از قبیل جار زدن و اعلانات دیگر

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

وزیر عدلیه - کلیه در جاهائی که جراید بوسیله انتشار باشد البته ابتکار را میکنیم ولی بنده تصور نمیکنم محتاج باشد که اینجا بر داریم بنویسیم و همین مسئله ممکن است اسباب اشکال شود

شیروانی - مسترد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بهار

(باین شکل خوانده شد)

پیشنهاد میشود در ماده اول بعد از عبارت (اولین اعلان) اضافه شود (که در تمام جراید محلی انتشار خواهد یافت)

نایب رئیس - آقای بهار

بهار - مراد بنده از این عبارت این است که در محل هائیکه جراید محلی وجود دارد این قبیل اعلانات باید در تمام آن جراید منتشر شود زیرا که تصدیق میفرمایند که حساس ترین نقطه این قانون اطلاع مردم است. آن پنج ماهی است که شما

به مردم اطلاع می دهید. آن قسمت حساس است. معایبی هم که برای این قانون میشمارند غالباً این است که مردم مطلع نمیشوند املاک مردم را بوسیله عدم اطلاع آنها میبرند، لهذا ما باید در قسمت انتشار این قضیه و اعلان این قضیه و انتشار ثبت اسناد بیشتر دقت کنیم و اگر هم يك مخارجی دارد باید در مقابل لزوم اطلاع مردم از آن مخارج هم غمض عین و خود داری بکنیم. ملاحظه فرمایند آقایان در بعضی از جراید اعلان میشود و در بعضی از جراید اعلان نمیشود اشخاصیکه مبتلا هستند نمیتوانند تمام جراید محلی را که شاید متجاوز از پنجاه تا باشد بخزنند بخوانند و اطلاع پیدا بکنند بعقیده بنده یا بیستی وزارت عدلیه يك روز نامه مخصوصی را مخصوص به خودش بکند و تمام را در يك روز نامه منتشر کند تا همه بدانند که برای اطلاع از اعلانات ثبت اسناد و املاک يك روز نامه را باید بگیرند بخوانند و اگر این کار را نمیکنند (و شاید صلاح هم نیست) باید در تمام جرائد این اعلانات منتشر شود الا اگر در بعضی جرائد انتشار پیدا بکند من که طرف استفاده هستم از کجا میدانم در آن روزنامه که من آئونه نیستم يك اعلانی راجع به ثبت ملك من درج شده است بهر صورت با بیستی مردم يك مخارج فوق العاده متحمل شوند و تمام جراید را بخزنند و بخوانند و یا باید دولت يك مخارجی متحمل شود و البته چون دولت مقدم است باین امر و دولت مسؤل رفاه حال عمومی است این ضرر را اگر دولت متحمل بشود بهتر از این است که تمام اشخاص تمام جراید را بخزنند و بخوانند علیهذا اگر استدالات بنده صحیح است خوب است آقای وزیر عدلیه در این باب موافقت فرمایند که این قسمت در اینجا اضافه شود که «بعد از اعلانی که در جراید محلی انتشار خواهد یافت» و در جائی که جراید نیست بوسیله جار و غیره چنانکه آقایان پیشنهادی داده اند آن هم البته بجای خودش صحیح است

ولی در جاهائیکه که روزنامه هست (که بالاخره فقط در طهران است که عده جراید زیاد است) ثبت اسناد دچار زحمت نمیشود فقط در طهران که ده دوازده نسخه روز نامه هست تمام اعلانات را وزارت عدلیه بتمام جراید بدهد و صرف نظر کند از مخارجی که برای این راه خواهد داد و بعضی تبعیضات را از بین بر دارند و کاری نکنند که بکنند که يك روز نامه را در دست گرفت و اعلانات آنرا خواند مستحضر شود غیر از این به عقیده بنده نقض غرض است

وزیر عدلیه - عرض کنم که این مسئله آفا عملی نیست چون ما نمیتوانیم در تمام جراید اعلان کنیم این نمیشود که آنوقت هی روز نامه در بیاید که اعلان بگیرند و تصدیق میفرمائید که برای مردم اسباب زحمت خواهد شد بنده تصور میکنم که خوب است آقایان این نکته را در نظر داشته باشند. البته تصدیق دارند که تمام چیز های خوب تمام جزئیاتش را نمیشود در قانون ذکر کرد. همیشه نظامنامه هائی که هست برای این است که يك مسائلی را در ضمن عمل ببینند اگر يك چیزی باشد در نظر بگیرند. تا بحال يك ترتیب اعلان بوده است حالا باید چون اجباری می شود يك ترتیب بهتری را بکنند ولی در هر حال چیزی که عملی نمیشود همین پیشنهاد است. بنده تصور میکنم که آقا این پیشنهاد را مسترد فرمایند چون خودتان تصدیق می فرمائید اگر برای تمام جراید نخواهیم اعلان بدهیم از برای مردم چه قدر اسباب زحمت خواهد شد

نایب رئیس - عقیده مخبر چیست؟

مخبر - نمیتوانم قبول کنم

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای بهار

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای فرشی

(بشرح آتی خوانده شد)

این بنده پیشنهاد میکنم از سال چهارم الی سال هشتم بهر سال تاخیری صدی يك علاوه شود که میشود صدی پنج و پس از آن در صورت تاخیر از صدی پنج زیاد تر نخواهد شد

نایب رئیس - آقای فرشی

فرشی - بنده مقصودم این است که اینجا نوشته است تا سال سوم صدی نیم و سال چهارم صدی يك گرفته خواهد شد و پس از آن بهر سال صدی يك علاوه خواهد شد باین ترتیب تا بیست سال بعد باید صدی بیست بدهد و این خوب نیست بنده پیشنهاد کردم که تا سال هشتم بهر سال تاخیر صدی يك علاوه شود و پس از آن اگر تاخیر شده همان صدی پنج باشد و اگر بهمین ترتیب برود بالا پس از سی سال صدی سی خواهد شد

نایب رئیس - آقای مخبر

مخبر - بنده بنظر مجلس واگذار میکنم

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای فرشی

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد تبصره پیشنهادی جمعی از

از آقایان

(این قسم قرائت شد)

تبصره - برای آگاهی عامه اداره ثبت املاک در موقع تشکیل در هر حوزه و بعد سالی يك مرتبه تا سه سال باید هیئتی مرکب از ۳ تا ۵ نفر از معتمدین محلی و سه نفر از مأمورین مهم آن حوزه تشکیل دهند که بوسیله اعلان و ابلاغ و جار اهالی حوزه ثبت را ازین قانون مطلع سازند.

مخبر - بنده این پیشنهاد را از طرف کمیسیون قبول

می کنم.

افسر - قبول کردید خوب ولی طوری قرائت شد که

غالباً آقایی بتوانند ملتفت بشوند خوبست از نوقرائت
نشود بنده خودم که جزو پیشنهاد کنندگان بودم ملتفت
نشدم که چطور خواندند

نایب رئیس - مجدداً قرائت میشود
(شرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای فیروز آبادی
(مضمون آن خوانده شد)

تبصره - قیمت اعلانات را دولت باید بدهد ربطی
بملك ندارد

فیروز آبادی - عرض کنم که در این ماده توضیح
داده نشده است که مالك یا دولت کدام يك باید پول
اعلانات را بدهند. اگر بخواهند کردن مالك بگذارند
این يك ظلمی است و غالباً مردم را از ثبت کردن

املاکشان فرار میدهد و باید ترتیبی داده شود که
مالكین در رفهیت باشند و الا این که مالك بدهد
خیلی اسباب زحمت مردم میشود يك ملكی که جزئی
قیمت دارد باید يك مقداری حق الثبت برایش بدهد يك
مقداری هم (چند مقابل آن حق الثبت) پول اعلان
بدهد و مسلماً این کار را نمی کنند و فرار میکند از
ثبت کردن باین ملاحظه بنده گفتم که پول اعلانات را
دولت بدهد که لااقل مردم شائق بشوند برای ثبت کردن

وزیر عدلیه - عرض کنم که آقایان کم کم دارند
مالك را گدای سر کوچه میکنند و دلسوزی میفرمایند
در صورتیکه قبلاً عرض کردم تصدیق میفرمائید مالك برای
اینکه ملکش ثبت شود و ابدأ راحت باشد خودش
حاضر است حق الثبت و پول اعلان را بدهد حالا آقا
میفرمایند دولت بدهد خوب اگر این نظر است ممکن
است در هر کار خونی که دولت بخواهد برای آبادی
مملکت بکند خودش تمام خرجش را بدهد و هیچ از مردم
نگیرد!! (خنده نمایندگان) بالاخره این شخص
يك مرتبه می آید برای این که خودش و اولاد
خودش را راحت کند این کار را می کند هیچ اسباب

زحمتی هم نمیشود - بلی اگر بنا بود در تمام جرائد
اعلان کنند ممکن بود اسباب زحمت بشود ولی بالطبع
در یکی دو روز نامه که اعلان شد کافی خواهد بود.
بعلاوه ما در آن نظام نامه که در نظر داریم تدوین
کنیم این قسم در نظر می گیریم برای آن املاکی که
قیمتش از يك حد معینی کمتر است قیمت اعلان را کمتر
کنند و متناسب قرار بدهند اگر بیشتر باشد قدری
بیشتر قرار بدهند اینها چیزهایی است که نمیشود در
قانون ذکر کرد

آقا سید یعقوب - حالا آقا می خواهند مجزاً مملکت
تحمیل کنند!!

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز
آبادی آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(دو سه نفر قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. تبصره پیشنهادی
آقای بهبهانی
(شرح ذیل قرائت شد)

تبصره - هرگاه معترض در یکی از محاکم صالحه
معلوم نمید که در مدت اعتراض مسافر یا غائب بوده
بنحوی که مطلع از اعلان ثبت املاک نبوده اعتراض او
پذیرفته میشود.

وزیر عدلیه - این را فرار است از برای اشخاصی
که بخواهند ثقل کنند و استدعا میکنم که این راه را
شما باز نکنید برای این که بعد از آن که ملك ثبت شد
شخص بیاید و ادعا کند که من اطلاع نداشتم خیلی تولید
اشکال میکنند و بعلاوه از آن طرف ثابت کردن این عدم اطلاع هم
خیلی مشکل است در هر صورت این مسئله کار را هم برای دولت
مشکل میکند هم برای مردم اگر آقایان اي يك مبلغی پول بدهند و
بعد حفظش نکنند بیفتد کم شود این تقصیر کسی نیست
اگر يك کسی امروز ملكی دارد باید برود مطابق
قانون عمومی مملکت زود ثبت کند که به این اشکالات
رنخورد و یا آنکه مواظب باشد که دیگری زود ثبت

کند بعلاوه وقتی هم که میخواهند ملكی را ثبت کنند
باید بروند حدود معین کنند میروند سرملك از همسایه ها
میپرسند آنها را خبر می کنند باین ترتیبات بی خود و
بی جهت که نمیشود کسی برود ملك دیگری را ثبت کند
بنده تصدیق میکنم که آقا بایک نظر خوبی خواسته اند
این پیشنهاد را بکنند و تصور کرده اند رفع زحمت میکند
از مردم ولی برعکس اشخاص متقلب از آن استفاده
میکنند و استدعا میکنم پیشنهادشان را مسترد بفرمایند
بهبهانی - بر خلاف نظر بعضی از آقایان بنده این

قانون ثبت اسناد را خوب میدانم ولی يك عیب بزرگی
دارد و آن عیب این است که چه منم تصدیق می کنم
فرمایش آقای وزیر عدلیه را که يك راه های تقلبی
برای يك اشخاصی شاید باز شود و البته هیچ قانونی هم
نیست که درش راه تقلب بکلی مسدود باشد ولی این را
هم ایشان باید تصدیق کنند که يك اشکالات اساسی هست
که آنها را هم باید در نظر گرفت که یکی از آنها همین
است که بنده مسافرت میکنم بجائی بيك شهري. یا
با اروپا میروم و شش ماه يك سال هم این مسافرت من شاید طول
بکشد آنوقت يك نفری می آید و نسبت بفلان ملكی که من
دارم عریضه ثبت میدهد و تقاضا میکند ثبت هم میشود
این را تصدیق بفرمائید که من در هر کجا باشم مكلف
نیستم حتماً هر روز تمام روز نامه هائی را که در مرکز منتشر
میشود بخوانم و به بینم که آیا نسبت بملك من تقاضای ثبت
کسی کرده است یا نه؟ گذشته از این يك اشخاصی هستند
که اغلب میروند بمشهد برای زیارت. یا جاهای دیگر
اینها يك چیزهای خیلی جزئی در محل خودشان دارند
و در محل هم کسی را ندارند که اگر در روزنامه چنین
چیزی را دیدند با اطلاع بدهند. یا جلوگیری کنند.

اینها را باید پیش بینی کرد. بنده شاید خودم هم تصدیق
بکنم که این پیشنهاد بنده باین طریق اگر بنا باشد اجرا
شود يك راه تقلبی پیدا شود ولی در هر حال مقصود
بنده این است که این مسئله در قانون نامین شود که

اگر يك اشخاصی يك جهات شرعی و معاذری داشتند
که نتوانستند بفهمند موقع اعتراض آنها کی است اگر
بیایند و اعتراض کنند قبول شود. در قوانین این قسمتها
باید رعایت شود چرا در قانون فرضاً يك اشخاصی را
از مرور زمان استثناء و معاف می کنند؟ برای اینکه
می بینند حق دارند مثلاً کسی که در تحت قیمومیت است
و ولی دارد اگر آن ولی با قیمتش اهمال کرد و رفت
بی کار معهود و مرور زمان بران گذشت حق آن
صغیر که از بین نمیروند با اینکه قانون معین کرده است
فلان مدت مرور زمان ولی چون آن حاکم بولی که حکومت دارد
برصغیر رفته است حقتش باعمال نمیشود پس خوبست این را هم
بپذیرید و يك راه حلی هر قسم که خودتان میدانید
برایش پیدا کنید و الا اسباب زحمت مردم میشود الا
بسیاری از اشخاص هستند که با هم معارض و مخالف اند
در همین دهات نزدیک شهر طهران يك اشخاصی هستند
که با مالك يكدیگر چشم داشت دارند يك کسی از آنها
بمجرد اینکه رفت بيك سفری و دو سه ماه طول کشید
فورا آن شخص طرف می آید و يك اعلانی می کند و
عریضه ثبت را میدهد و ملك را ثبت می کند میروند
کارش آن طرف هم نمی فهمد وقتی که آمد ملکش ثبت
شده است و گذشته است و حرفش هم بجائی نمیرسد این
را البته تصدیق میفرمایند که ممکن است اتفاق
بیفتد بنا براین باید يك راه حلی برای پیدا کرد
حالا اگر این راه حل را که بنده عرض کردم کافی
نمیدانند ممکن است يك طریقی که بهتر و سالم تر باشد در
نظر بگیرند که این منظور نامین شود و حق مردم
باعمال نشود

نخب - البته این نظر آقا راجع باینکه حق الامکان
باید سعی کرد که مراعات نسبت بمعذورین بشود
صحیح است ولی در قوانین ما نسبت باین قبیل اموریك
پیش بینی هائی شده است مثلاً وقتی که رجوع بفرمائید
باصول محاکمات عدلیه ملاحظه خواهید فرمود حد
اکثری که برای مدت معین شده است برای اشخاصی

که غایب هستند ۴ ماه است ولو در دورترین نقاط دنیا باشند ما در این جا آمدیم و ۵ ماه را گرفتیم یکماه هم از آن بیشتر قرار دادیم پس ما این احتیاط را هم کردیم. این یکی. دیگر اینکه اساساً هر ملکی که ثبت میشود همسایه های جهات اربعه ملك میفهمند از آنها سؤال و پرسش میشود. اعلان داده میشود میفهمند بعلاوه آن کسی هم که يك وضعیتی دارد و مصالح و مقتضیاتش اجازه میدهد که بفرنگستان برود آن لابد يك شخصی است که يك مباشر و يك وکیل برای رسیدگی باامورات خودش دارد. از همه اینها گذشته اگر ما بخواهیم این قبیل مسائل را در قانون پیش بینی کنیم و این صحبت ها و پیش بینی ها را نکنیم اساساً باید قابل اجرا بودن هر قانونی را تردید کنیم در هر حال استدعا می کنم که حضرت آقا توجه داشته باشند که يك پیشنهاداتی نشود که آن نتایج منظوره از این قانون حاصل نشود در صورتیکه راه اینها در قانون مصرح است و پیش بینی شده است که در مدت ۴ ماه کسانی که خارج از ایران باشند حق اعتراض دارند و ما در این قانون ۵ ماه معین کردیم و بیش از این نمیشود مهلت داد و با همین وسائلی که هست عادتاً گمان می کنم کافی باشد که کسانی هم که در خارج از ایران هستند اطلاع پیدا کنند و اگر يك کسی بود که فرضاً تمام وسائل اطلاع از اوسلب شود او را که دیگر نمیشود پیش بینی کرد.

نایب رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای بهبهانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

بهبهانی - بنده مسترد کردم.

نایب رئیس - تصویب هم نشد. پیشنهاد آقای فرمند (بشرح آنی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ماده اول این طور اصلاح شود:

عایدات خالص سه سال (اخیر معین نماید)

مخبر - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فومنی.

(بشرح آنی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم در وقت ثبت بمحل مزبور رفته حدود املاك را معین نماید.

فومنی - این جا نوشته است اداره ثبت املاك بدون نقشه بر داری سند مالکیت تقاضا کننده را با همان حدودی که تقاضا شده و مورد اعتراض واقع نگردد صادر مینماید. ولی بعقیده بنده بدون اینکه مراجعه بمحل کنند و حدود را معین نمایند صحیح نیست بنا بر این من دلم میخواستم بروند حد را معین نمایند و با آن کسی که تقاضا کرده است بروند بعد ثبت نمایند. این بهتر است.

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که احتیاج باین پیشنهاد نباشد برای اینکه آقا بعراض بنده که چند مرتبه هم عرض کردم اگر توجه میفرمودند این پیشنهاد را نمی کردند - بقانون هم درست توجه نفرمودند. در قانون هم مصرح است که وقتی يك کسی میخواهد ملکش را ثبت کند يك حدودی را که معین میکند باید بروند و آن حدود را به بینند و رسیدگی کنند و بصرف گفتن آن شخصیکه قبول نمیکند میروند و از همسایه ها و همه تحقیق میکنند آنها را خبر می کنند این جزء قانون هست. خوبست مسترد نفرمائید.

فومنی - وقتی که در قانون باشد بنده مسترد میکنم نایب رئیس - این پیشنهاد مسترد شد پیشنهاد آقای بامداد.

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم چنانچه کسی در بین اعلان ثبت ملکی بران ملك ادعا کرد و کار بترافع کشید و بالاخره محکوم شد و در موقع اخذ خسارت دعوی افلاس نمود و واقعاً مفلس بود با او مطابق قوانین جزائی رفتار شود بامداد - عرض کنم که ما این قانون را این طور

استقبال میکنیم برای اینکه انشاءالله بوسیله این قانون مراعات خانمه پیدا کند و شرخری خانمه پیدا کند البته این دو دسته زودتر می فهمند که يك حیات شان دارد قطع میشود در ظرف این چهار ماه هردست و پائی دارند میکنند یا خودشان میکنند یا کسی را وادار می کنند عریضه میدهند که خیر آقا این ملك مال من است نه مال این است نه مال اوست به كیك صلح شده خوب البته صاحب ملك در این صورت ثبت ملکش توقف میکند و کار بمحاکمه میکشد و ممکن است کار بابتدائی و استیناف و تمیز بکشد بعد هم طرف محکوم شود البته وقتی که محکوم شد مطابق قوانین جاریه از او خسارت بخارج محاکمه و زحمت و اتلاف وقت و همه اینها را مطالبه می کنند ولی اغلب ممکن است پیش بینی کار را قبلاً کرده باشد و يك افلاس نامه قبلاً تهیه کرده باشد و نوی جیبش میگذازد و می آید دعوی میکند و وقتی که محکوم شد در قبال تقاضای خسارت عریضه افلاس میدهد. این است که بنده پیش بینی کردم برای اینکه حق آن مالك اصلی که تقاضای ثبت کرده با تمام نشود. با این شخص مطابق قانون جزائی رفتار کنند چون باصطلاح شرعی و فقهی این دعوی زور است مطابق قانون جزا او را تعقیب کنند که طوری باشد او بترسد و او را حبس کنند که دیگر مردم این کار را نکنند

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - فرمایش آقای بامداد يك ضررهای اساسی برای جا های دیگر دارد و آن این است که مقصودشان این است: هرکس چیزی ندارد و اگر يك دفعه محکوم شد زود دنبال حقتش. خوب وقتی که محکوم شد مفلس است؟ فرمایش ایشان این است دیگر میگوید من چیزی ندارم. يك دعوی دیگری دارم زود دنبال دعوايم زیرا يك وقت محکوم میشوم وقتی محکوم شدم میگویند بده میگویم ندارم پس هرکس می خواهد ادعای خودش را بکند قبلاً باید فکر کند که اگر محکوم شد مفلس نباشد

بنده عقیده ام این است که اگر بخواهیم فتح این باب را بکنیم يك ضرر هائی دارد که بیش از نفعش است علاوه بر این این هیچ فلسفه ندارد. اینهم مثل باقی مفلس ها اگر اینها يك مجازاتی دارند این ها هم داشته باشند اگر ندارند که هیچ لهذا بنده عقیده ام این است که خوبست پس بگیرند.

وزیر عدلیه - عرض کنم که اجازه نفرمائید مسئله را بنده يك قدری روشن تر کنم بدیجاته بنده می بینم که بقدری آقایان اهمیت میدهند باین قانون و يك مذاکراتی میکنند و درست در آن مذاکرات دقت نمی فرمایند این شخص که می آید و ادعا میکند يك صورتش صورت ثقلب است یعنی ممکن است که بداند حق ندارد و بخواهد کاغذ سازی کند و بازی در آورد و اگر کاغذ سازی کرده است که خوب مطابق قانون مجازات عمومی مجازات میشود اما صور دیگری هم دارد و آن این است که بکیش را هم آقای بامداد فرمودند يك وقتی هم ممکن است واقعاً يك کسی حق داشته باشد و اسناد و دلائل خود را بتواند بطوریکه بابد و شاید در محکمه ارائه دهد و بتواند ثابت کند يك وقت هم ممکن است اشخاصی خودشان را ذي حق بدانند و تصور کنند که حق دارند يك سندی از ارث پدری بهش رسیده است و ممکن است آن سند هم بحق باشد این ها تمام شقوق قضیه است که میشود فرض کرد البته راجع بان قسمتی که کاغذ سازی و جعل سند و ثقلب است که قانون راهش را درست کرده و محتاج نیست این جا باز ما ذکر کنیم و روی سایر شقوقش هم اگر بخواهید این نظریه را در اینجا بکنجانبید در سایر موارد ممکن است ظلم شود بطوریکه آقای مدرس هم يك قسمتش را توضیح دادند و اگر آقای نماینده محترم همین قسمت از عراض بنده اکتفا فرمایند و پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند بهتر است

بامداد - مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فومنی

(این قسم خوانده شد)

بنده پیشنهاد می نمایم بجای جاز در محلی که روزنامه ندارد اعلان ولو کتبی هم باشد انتشار بدهند تا عامه بفهمند .

فومنی - در جاهائی که روزنامه است در روزنامه اعلان میشود ولی در جاهائی که روزنامه نیست جاز فایده ندارد خوب است اعلان کنند و بدر و دیوار بچسباندند اگر هم چاپی نباشد ممکن است کتبی باشد بنویسند و بچسباندند تا عامه بفهمند بنده برای تحکیم مطالب این پیشنهاد را کردم
مخبر - آقا این پیشنهاد را نمیشود قبول کرد و این وسائل در قانون پیش بینی شده است

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای فومنی آقایان موافقین قیام فرمایند
(چند نفر قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای نقی زاده .

(بشرح آتی قرائت شد)

تبصره ذیل را عمده اول پیشنهاد میکنم
تبصره - از تاریخ شروع به ثبت املاک در هر نقطه اشخاصی که بتصرف مالکانه متصرف یک ملک در آن حوزه اعتراض داشته باشند قبل از تقاضای ثبت از طرف متصرف نیز میتوانند اعتراض خود را بآدارة مرکزی ثبت املاک آن حوزه بفرستند این اعتراض که قبل از تقاضای ثبت میرسد باید بآدارة ثبت املاک آن ناحیه که ملک محل اعتراض در آن واقع است ابلاغ و در آنجا قید و حفظ شود تا در موقع تقاضای ثبت به تقاضا کننده ابلاغ شود
نقی زاده - اشکال عمده که در این قانون بنظر میرسد همان مراقبت مستمر صاحبان املاک است در اعلانات دولتی و این خیلی اسباب اشکال است که مردم بتوانند تمام جرائم محلی منتشره در شهر یا جرائدی که ملک در آن جا واقع است رسیدگی دائمی و مداقه کامل

کنند . البته نمی توانند که مبدا يك روز ازش فوت بشود و این اعلان در آن جا آمده باشد و این ندیده باشد در این صورت اگر موقع را فوت کرد حقیش بکلی باطل میشود این است که بنده تصور میکنم که حق داده شود اشخاصی که اعتراض نسبت باملاکی دارند چون هم مدت معین است و هم ناحیه محدود در آن جاهائی که حوزه ثبت هست از این تاریخ تا سه سال حق داده شود که اشخاص اعتراضشان را بکنند و بفرستند بآدارة مرکزی ثبت اسناد و آن اداره بفرستد بحوزه جزء که ملک در آن جا واقع است و در آن جا ضبط شود تا موقعی که مالک و متصرف بیاید و تقاضای ثبت کند باو ابلاغ کنند و بنظر بنده این باعث سهولت کامل میشود و محتاج بخواندن هر روز در روزنامه هم نمیشود این رادر خارج هم که با آقای وزیر عدلیه مذاکره کردم ایشان موافق بودند و ضروری درش نمیدیدند این است که برای سهولت امر این پیشنهاد را کردم .

مخبر - عرض کنم که دلائل نماینده محترم شاید در بادی نظر موجه بنظر میاید ولی وقتی که درست دقت کنیم معلوم میشود که می خواهند قبل از اینکه تقاضای ثبت شود نسبت بیک تقاضای غیر موجودی اعتراض بعمل آید . بنظر بنده این صحیح نیست از نقطه نظر اصول حقوقی . زیرا کسی تا مالک يك حقی نباشد نمی تواند از آن حق استفاده کند و اعتراض کند . این است که تصویب این مطلب از طرف مجلس بعقیده بنده خوب نیست . بعلاوه آن کسی که در مدت سه سال بعد از اعلان نمی رود مراقبت کند که ملکش ثبت نشود البته این قدر هم مراقبت ندارد که قبلا پیش بینی کند . لذا بنظر بنده هیچ ضرورتی ندارد و این ماده جامع است
نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای تقی زاده
آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مخارج اعلانات املاکی که از هزار تومان و کمتر ارزش دارد بعهده دولت باشد .
فیروز آبادی - بنده این جا پیشنهاد کردم که حق اعلانات بعهده دولت باشد .

آقا سیدبعقوب - اجازه میفرمائید بنده اخطار دارم این پیشنهاد خرج است .

فیروز آبادی - بعد آقای وزیر عدلیه قبول نکردند و گفتند که صاحبان ملک پول دارند و بدهند دیگر نمیدانند که غالب صاحبان ملک هیچ ندارند و خیلی حالشان بد است خیلی خوب با تصدیق این حرف بنده پیشنهاد کردم که از صاحبان املاکی که ملکشان کمتر از هزار تومان ارزش دارد دولت خرج اعلان را بدهد و الا صاحب ملک که ندارد ۵ تومان ده تومان حق الثبت بدهد ده دوازده تومان هم پول اعلان و این اسباب زحمت مردم میشود و سبب میشود که کسی نمیرود ملکش را ثبت کند باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم

آقا سیدبعقوب - پول اعلان ملک مردم را دولت بدهد؟
اجازه میفرمائید؟
نایب رئیس - بفرمائید .

آقا سیدبعقوب - همانطور که عرض کردم و کبیل نمی تواند پیشنهاد خرج بکند این پیشنهادی است که دولت کرده است فلان قدر برای فلان خرج مجلس تصویب کند و پیشنهاد ایشان اضافه خرج است و نمیشود قبول کرد و اگر نظری دارند باید بطور طرح قانونی پیشنهاد کنند برود بکمسیون مبتکرات بعد تکلیفش معلوم شود

نایب رئیس - نظر باین که صد يك در اینجا نوشته شده است میتوانند پیشنهادی راجع بان بکنند
جمعی از نمایندگان - صحیح است
نایب رئیس - آقای مخبر؟

مخبر - بنظر بنده اگر آقای فیروزآبادی بیشتر توجه بفرمایند بمنافع این قانون نسبت بهمان اشخاصی که برای شان دفاع میکنند این پیشنهاد را مسترد میفرمایند چون این قانون بیشتر منافع آنها را تأمین میکند تا این پیشنهاد و این قانون آنها و خانواده شان را از کلیه تعرضات نسبت باملاک شان مصون و محفوظ میکند بعلاوه آنکه سبکه فرضاً ملک صد تومان دارد ۵ قران هم دارد برای ثبت ملکش بدهد اگر هم نداشته باشد برای محکم کردن اساس کارش و منافع خودش میرود و ۵ قران را قرض میکنند و ملکش را ثبت می کند

(خنده بعضی از نمایندگان)

فیروز آبادی - چون میدانم رای نمیدهند پس میگیرم .

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای عدل
(بشرح آتی قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم ، بقاضا کننده باید برای تعیین قیمت ملک خود تصدیق از مالیه محل ارائه نماید که مالیه ده برابر ثلث عایدات سه سال اخیر تعیین قیمت و تصدیق برای املاک مسلوب المنفعه تحقیقات عمیقه کرده قیمتی براضایت مالک تعیین خواهد کرد

عدل - بنده این تبصره قانون را ناقص میدانم اینکه نوشته میشود تقاضا کننده باید قیمت ملک را از روی قباله معین کند این نمیشود يك قباله ها هست که خیلی قدیمی است مثلاً جد بنده يك ملکی خریده بود که فرضاً ۷۰ تومان قیمت داشته است و قباله اش همان ۷۰ تومان است و این ملک ارثاً بمن رسیده است حالاً آن ملک ده هزار تومان قیمت دارد حالا اگر آن قباله را بیاورد ثبت کند چه خواهد شد آمدیم مسئله ثبت عایدات این هم يك چیزی است که خود اداره ثبت اسناد در آن خصوص اطلاعی ندارد وقتی که من در آن جا اظهار میکنم شاید قبول نکنند و این تولید اشکال میکنند این است که بنده تصور میکنم که این مسئله فعلاً با این جور خیلی

خوش آیند است ولی در موقع عمل که رسید دچار اشکال خواهد شد و از ولایات مجبور خواهند شد يك توضیحاتی بخواهند و ما مجبور میشویم ثانیاً آن را تفسیر کنیم این است که بنده از حالا برای جلو گیری از این اشکالات این پیشنهاد را کردم ولی خودم هم نسبت بان پیشنهادی که داده ام این قدرها اصرار ندارم و آن را هم عملی نمی دانم ولی همینقدر میدانم که این تبصره اسباب زحمت مردم است و بین مالکین و ثبت اسناد تولید اشکال خواهد کرد خیلی املاک هست که الان مسلوب المنفعه است و مال اجداد اشخاص است که بانها رسیده است قیمت قبالة آن خیلی است ولی حالا هیچ ندارد و فردا اسباب زحمت میشود و مالیه این قسمت ها را چون در عمل است بهتر میداند و تشخیص میدهد و حالا اگر يك راه حل بهتری برای رفع این اشکال در نظر دارند بنده اصرار نمی دارم و مسترد میکنم مخبر - بنظر بنده این پیشنهادی که آقا کردند بیشتر منشأ اختلاف است بین مردم و ادارات ثبت اسناد و بیشتر اسباب زحمت تولید میکند بجهت این که در ماده ساده نوشته شده است از روی قبالة یا از روی عایدات سه ساله اخیر و هیچ نوع زحمت و اشکال و اختلافی هم بین ادارات ثبت اسناد و مردم تولید نخواهد کرد ولی پیشنهاد حضرت آقا ایجاد اختلاف میکند این است که بنده استدعا میکنم آقا این پیشنهاد را مسترد بفرمایند عدل - بنده مسترد میکنم

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد ختم جلسه رسیده است.

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید؟ بنده خواستم تقاضا کنم که آقایان موافقت بفرمایند مذاکره در ماده اول تمام شود و رای گرفته شود بعد جلسه ختم شود و لااقل این مذاکراتی که تا بحال کردیم در ماده اول بی نتیجه نماند.

عمادی - بنده هم با این ترتیب که آقا فرمودند

موافقت میکنم و پس میگیرم

نایب رئیس - آقای پور تیمور جناب عالی هم پیشنهاد ختم جلسه کرده اید پور تیمور - بنده تا بحال هیچ پیشنهادی عرض نکرده ام ولی حالا میبینم که دستها بقدری در پیشنهاد دادن گرم شده است که بعقیده بنده ما امروز از این پیشنهاد ها خلاص نخواهیم شد اگر قول میدهند که دیگر پیشنهاد نکنند و با لا اقل کمتر پیشنهاد کنند بنده تا غروب هم می نشینم که کار کنیم ولی اگر بنا باشد اینطور باشد نمیشود و الا بنده منکر ثبت اسناد نیستم. حالاهم پیشنهاد را پس میگیرم

نایب رئیس - تبصره پیشنهادی آقای خشمی (اینطور خوانده شد)

تبصره - دولت مکلف است که در ظرف يك سال از تاریخ تصویب این قانون در تمام نقاط مملکت (با استثناء نقاطی که با دلائل مثبتة محظوری داشته باشد) ادارات ثبت املاک را دائر نماید.

خشمی - عرض کنم که بنده با این قانون کاملاً موافقم و میل نداشتم پیشنهادی بکنم ولی يك مذاکراتی این جا شد که بنده مجبور شدم این پیشنهاد را عرض کنم اساساً تبعیض هیچ فایده ندارد و در هیچ چیزی تبعیض خوب نیست قانون باید بتساوی در تمام مملکت اجرا بشود - ملاحظه بفرمائید آنها این قانون مهم و لازم اگر بنا باشد در طهران ثبت اسناد دائر شود و در جا های دیگر نشود یا دیر بشود فائده ندارد چون این قانون برای این است که از بعضی از مردمان فاسد جلوگیری شود و اگر فرضاً خدای نخواستہ يك مردمان فاسدی پیدا شدند...

مدرس - خدای نخواستہ؟

از این جا که املاک ثبت شد و محروم شدند میروند جای دیگری مثلاً در زرند که هنوز در آن جا دائر نشده و اسباب فساد می شوند و شروع می کنند بحقه بازی در

آوردن در صورتیکه منظور عمده از این قانون جلوگیری از این قبیل کارها است. قانون انتخابات را وقتی که ما نوشتیم و اصلاح کردیم مخصوصاً در آن جا قید شد که در تمام مملکت انتخابات يك مرتبه شروع شود این فلسفه اش برای این بود که از این قبیل عملیات جلو گیری شود همان نظر هم در اینجا هست و میبایستی در تمام مملکت این کار يك مرتبه شروع شود تا از مفاسد و حقه بازیها جلوگیری شود و اگر دست شان از این جا کوتاه شد جای دیگر روند و اسباب فساد بشوند و اینطور نباشد که در يك نقطه ثبت اسناد باشد و در يك نقطه نباشد و فرصت بدست مردمان داده شود که بروند اسباب زحمت مردم بشوند - بنا بر این پیشنهاد کردم که دولت مکلف باشد در ظرف يك سال در کلیه نقاط مملکت ادارات ثبت اسناد را ایجاد نماید.

وزیر عدلیه - عرض کنم که بنده تصور می کنم نماینده محترم اصلاً این مسئله را وقتی مراجعه کنند و توجه بفرمایند عملی بدانند يك سال را. يك سال دائر کردن اداره ثبت املاک و اسناد در تمام مملکت و کلیه نقاط بنده خیال میکنم عملی نباشد و خوب است نماینده محترم اجازه بدهند همانطور که می توانیم در تمام مراکز و شهرها ابتدا تشکیل بدهیم بعد در بلوکات و هر جا شد عمل کنیم و البته دولت سعی میکند که رفاهیت مردم عموماً

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

فراهم شود و آنطوری که ایشان میفرمایند يك سال با دلائل مثبتة مثل این است که باید دولت در يك محکمه حاضر شود و بگوید باین دلیل باین دلیل من در يك سال نتوانستم در تمام مملکت این محکمه را تشکیل بدهم البته انشاءالله سعی خواهد شد هر اندازه که ممکن است زودتر عملی کند.

خشمی - اگر آقای وزیر عدلیه قول میدهند که تسریع در این امر بفرمایند بنده مسترد میدارم نایب رئیس - رأی میگیریم بنده اول باتبصره که پیشنهاد شد و آقای مخبر قبول کردند و يك اصلاح عبارتی که شد اول يك تبصره داشت حالا دوتا شد با اصلاحاتی که شده آقایان موافقین قیام بفرمایند (اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه. ختم جلسه

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید يك لایحه ایست راجع به تقاضای ۲۰ هزار تومان اعتبار برای نگاهداری اتباع ایران که از بصره فرار کرده اند و آمده اند بخوزستان متوسل شده اند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - بکمیسئون بودجه مراجعه می شود. جلسه ختم میشود جلسه آتیه روز شنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز